۶۵
سال یازدهم
شماره چهارم

حقیقت

مجلهٔ علمی، فرهنگی و جهادی

رمضان و شوال ۱۴۴۵
حمل و ثور ۱۴۰۳
اپریل و می ۲۰۲۴





در این شماره می‌خوانید:

حقیقت

رمضان و شوال ۱۴۴۵
حمل و ثور ۱۴۰۳
اپریل و می ۲۰۲۴

امارت اسلامی افغانستان

مدیرمسئول احمد تنویر (مولانا نعیم‌الحق حقانی)

هیئت تحریریه محمد داوود مهاجر- سعید مبارز
عبدالله هروی - احمدالله جلالی
طلحه مبارز بدخشانی

مصحح مولوی حمیدالله غیاثی

صاحب امتیاز امارت اسلامی افغانستان

صفحه‌آرا وحید حاجیزاده

فهرست مطالب

ارتباط با ما

haqiqat_mag@yahoo.com
@HaqiqatMagazine
۰۰۹۳-۷۹۹۷۰۰۴۰۴

سخن نخست

همیـــاری و کمک‌رســـانی فرهنـــگ ارزشـــمند ملـــت ماســـت!

کمک‌رسـانی و هم‌یـاری، سـنت ارزش‌منـدی اسـت کـه در فرهنـگ اسـلامی و ملـی مـردم مـا، از گذشـته‌های دور وجـود داشـته، بـه عنـوان یـک میـراث ارزش‌منـد، بـه نسـل امـروز رسـیده اسـت.

هموطنـان عزیـز مـا بـا عمـل بـه نصـوص دینـی و سـیرت نبـی مکـرم اسـلام صلی‌الله علیـه و سـلم و یـاران باوفـای شـان رضـی اللـه تعالـی عنهـم، در هـر زمـان، بخصـوص در زمانی‌کـه بحـران دامن‌گیـر جامعـه گـردد، بـه کمک‌رسـانی بـرای نیازمنـدان می‌شـتابند.

در نزدیـک بـه ده مـاه وطـن عزیـز مـا بـا موجـی از بحران‌هـای طبیعـی (از زلزلـه مدهـش و زیان‌بـار هـرات باسـتان تـا سـیلاب‌های اخیـر) روبـرو شـده کـه در آخریـن مـورد، در نتیجـه بارنده‌گی‌هـا، در برخـی از مناطـق، بـا آمـدن سـیلاب، خسـاراتی بـه مـردم بـه بـار آمـده کـه شـدیدترین آن، در ولایـات غـور، هـرات، تخـار و بالاخـص بغـلان بـوده اسـت.

در اثـر ایـن سـیلاب‌ها، ضمـن خسـارات جانـی و مالـی، ده‌هـا تـن مفقـود و شـمار زیـادی مواشـی و اراضـی زراعتـی از بیـن رفتـه و آسـیب جـدی مالـی بـه متضرریـن وارد گردیـده اسـت.

طبـق تصاویـری کـه نشـر شـده، سـیلاب قـوی و وحشـت‌ناک، خانـه و زمیـن مـردم را از بیـن بـرده و هموطنـان مـا را خسـاره‌مند سـاخته اسـت.

در اولیـن سـاعات پـس از جاری شـدن سـیلاب‌ها در بغـلان و دیگـر مناطـق کشـور، جلسـه‌ای بـزرگان امـارت اسـلامی پیرامـون رسـیده‌گی بـه نیازمنـدان و سـیلاب‌زده‌ها برگـزار، تصامیـم لازم اتخـاذ کـرده و عمـلا از طریـق زمیـن و هـوا، و بـا اسـتفاده از قـوای بشـری ملکـی و نظامـی بـه خدمـت مـردم عزیـز و رنجدیـده، کمـر همـت بسـته و بـا امکانـات دسـت داشـته از هیچ تلاشـی

فروگـذار نکردنـد.

هرچنـد حکومـت و نهادهـای وابسـته بـه آن، کار کمک‌رسـانی شـان را آغـاز کرده‌انـد امـا، تنهـا تـلاش حکومـت کافـی نیسـت و می‌طلبـد کـه مـردم مـا نیـز دسـت بـه کار شـوند تـا در کنـار خدمـات حکومـت، هم‌یـاری و همدلـی ملـی شـان را احیـا و تقویـت بخشـند.

بـه دلیـل ایـن کـه بـه طـور عاجـل، مهیاسـازی امکانـات و لـوازم اولیـه زیـادی بـرای هموطنـان آسـیب‌دیده مـا نیـاز اسـت و قسـمی کـه همـه می‌دانیـم، مهیـا کـردن آن بـه طـور عاجـل، فقـط بـا تـلاش جمعـی (بهتریـن روش بـرای کمک‌رسـانی عاجـل بـه نیازمنـدان) می‌توانـد عملـی شـود، همـه مـردم مـا بایـد بسـیج شـوند.

همدلـی و همیـاری، از ارزش‌هـای اسـلامی و ملـی مـردم ماسـت کـه همیشـه در بیـن جامعـه عملـی شـده، در مواقـع بحرانـی، بیشـتر از دیگـر ایـام، خـود را نشـان می‌دهنـد.

همدلـی و همیـاری در مواجهـه بـا بحران‌هـا و فوران‌هـای طبیعـی و اجتماعـی ماننـد حـوادث طبیعـی اخیـر، بسـیار مؤثـر اسـت و رونـد رسـیده گی بـه نیازمنـدان را تسـریع می‌بخشـد.

وقتـی کـه افـراد بـا یکدیگـر همـکاری می کنند و منابـع و توانمندی‌هـای خـود را ترکیـب می کننـد، امـکان مقابلـه بـا بحران‌هـا و رسـیدگی بـه آنهـا بـه طـور مؤثـر افزایـش می‌یابـد. ایـن باعـث کاهـش خسـارات و اثـرات منفـی بحران‌هـا و حفـظ امنیـت و ثبـات اجتماعـی می‌شـود. در کنـار حکومـت، مـردم مـا نیـز بایـد دسـت بـه کار شـده و تلاش‌هـای شـان را بخاطـر کمـک بـه هموطنـان خـود، آغـاز کننـد.

بـر اسـاس ارزش‌هـای دینـی و ملـی، مـا وظیفـه داریـم کـه بـا همنوعـان و بخصـوص هموطنـان نیازمنـد خـود در تمـام مواقـع سـال، کمـک نماییـم و ایـن وظیفـه، در زمـان بحرانـی، بیشـتر از گذشـته، بـر دوش ماسـت.

اکنـون، مـردم مـا در مناطـق مختلـف و بخصوص ولایـات شـمالی، بـه کمـک مـا نیـاز دارنـد، ایـن کمـک از کمتریـن هزینـه و امکانـات شـروع، تـا ارسـال هزینه‌هـای بـالا و کمک‌هـای گروهـی، کـه می‌توانـد مشـکلات هموطنـان نیازمنـد مـا را حـل کنـد، ادامـه می‌یابـد.



نویسنده: ابوعثمان غزنوی

اقـــدام مدبرانـــهٔ مســـئولان بخاطـــر رســـیدگی بـــه ســـیلاب‌زدگان

امـارت اسـلامی افغانسـتان بـا حـوادث طبیعـی فراگیـر کـه ناشـی از تغییـر اقلیـم در منطقـه و کشـور می‌باشـد، بـه عنـوان نظـام مسـوول گام برداشـته و اقداماتـی متناسـب و بـه موقـع را از جملـه در راسـتای رسیده‌گی بـه قربانیـان جاری شـدن سـیل در ولایات‌هـای بغـلان و تخـار، زلزلهٔ اخیـر هـرات و زلزلهٔ ولسوالی هـای گیـان و برمـل پکتیـکا، انجـام داده اسـت. ایـن اقدامـات پاسـخ‌دهی بـه بحران‌هـای ناشـی از حـوادث طبیعـی، بـا وجـود امکانـات محـدود، در واقـع از جملـهٔ فوری‌تریـن واکنش‌هـا در برابـر حـوادث طبیعـی در سـطح منطقـه می‌باشـد.

در روزهـای گذشـته حیـن جـاری شـدن سـیل‌های مدهـش در ولایـات بغـلان و تخـار کـه بـه دلیـل شـدت بـاران بـه وقـوع پیوسـت و تلفـات چشـمگیر جانـی و مالـی را بـه همـراه داشـت، مسـوولان محلـی امـارت اسـلامی از جملـهٔ والـی، قومانـدان امنیـه، رییـس اسـتخبارات و اراکیـن لـوای نظامـی مسـتقر در ولایـت تخـار، در همـان آوان در محـلات آسـیب‌دیده بـا تیـم هـای کاری و تمـام تجهیـزات و امکانـات دسـت داشـتهٔ شـان حضـور یافتنـد و شـخصا رهبـری و مدیریـت رونـد رسـیده گـی بـه قربانیـان و نجـات آنـان را بـه دوش داشـتند.

از همـان سـاعات نخسـتین سـرازیر شـدن سـیل در ایـن ولایـات، چندیـن فرونـد هلیکوپتـر نظامـی، امبولانس‌هـای سـیار و صدهـا عـراده واسـطه و ماشـینری در ساحات متضـرر مصـروف فعالیـت بـوده و تیم‌هـای کمکـی بـا تجهیـزات و امکانـات مـورد نیـاز از مرکـز کابـل بـه سـاحات یادشـده اعـزام شـدند؛ تیم‌هـای نجـات، تیم‌هـای صحـی و تیم‌هـای کمـک بـه آسـیب‌دیده‌گان از همـان روز تـا ایـن دم، در سـاحه حضـور دارنـد و مصـروف فعالیت‌هـای خدمـت رسـانی می‌باشـند.

بـه یـاد دارم، در سـال ۱۳۸۴ هجـری شمسـی

غالبا ماه سنبله بود که سیلاب های مدهشی در مرکز و برخی ولسوالی های ولایت غزنی سرازیر شدند و خودم در صحنه حاضر بودم، اما چه رسد به حضور مقامات ولایتی که در ساحات آسیب دیده باید حضور می‌داشتند، حتا من یک سرباز را ندیدم که در صحنه حاضر شده و به کار نجات پرداخته باشد. از امکانات، تجهیزات و ماشینری دولتی خبری نبود و مردم آسیب دیده، کسانی بودند که در برابر این حوادث تنها رها شده بودند و آنان خود با حادثهٔ پیش آمده مقابله و دست و پنجه می کردند.

در سال ۲۰۲۰ و آغاز سال ۲۰۲۱ که افغانستان از جملهٔ کشورهایی بود که موج های شدید شیوع ویروس کرونا را تجربه می کرد، دولت وقت نه تنها به طور لازم و مناسب در راستای پاسخ گویی به این فاجعه گام نبرداشت، بلکه مسوولان مربوط دولتی کمک های میلیونی خارجی را که در این راستا صورت می گرفت نیز حیف و میل کردند و حتا تجهیزاتی که در این راستا به افغانستان کمک شده بود و یا کمک می شد، نیز به کشورهای همسایه فروختند.

روند توزیع کیلویی گندم را به مردم در آن وقت، همه به یاد دارند و حتا امروز به ضرب المثلی تبدیل شده است.

بنابراین، با وجود تعزیرات ظالمانهٔ امریکا و ملل متحد بر امارت اسلامی افغانستان و عدم همکاری مناسب سازمان های مربوط ملل متحد در راستای پاسخگویی به حوادث طبیعی، امارت اسلامی توانسته است با امکانات و تجهیزات دست داشته و پاسخگویی و اقدامات به موقع و متناسب به فاجعه ها و حوادث طبیعی، از میزان تلفات جانی مردم آسیب دیده بکاهد و به قربانیان به اسرع وقت رسیدگی نماید. باور بر این است که در حادثهٔ نزدیک که همین جاری شدن سیلاب ها در ولایت بغلان است، اگر اقدامات به موقع و فوری صورت نمی گرفت، شمار تلفات به مراتب بیشتر از امروز می بود. به این اساس گفته می توانیم که در نتیجهٔ همین اقدامات به موقع و سریع مسوولین امارت اسلامی افغانستان بود که به بحران پیش آمده با وجود آنکه این حادثه در سطح کشور و حتا منطقه بی سابقه بود، به موقع رسیده گی صورت گرفت و از گسترده گی و شدت پیامدهای ناشی از این حوادث کاسته شد. در نتیجه گفته می توانیم که اقدامات مسوولین امارت اسلامی افغانستان در این راستا، به عنوان یک نظام مسوول، مسوولانه، به موقع و سریع بوده است؛ امیدواریم در راستای پاسخگویی به همچو حوادث در کشور، روند پاسخ دهی همچنان سریع و متناسب باشد.

د ملا محمد عمر مجاهد په اره د اسلامي نړۍ د ځینو مطرحو شخصیتونو تأثیرات

ترتیب او راټولونه: عبدالرحمن سعید (سعید غلجی)

کله چې ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله ته د امیر المؤمنین لقب ورکړل شو:

د ۱۳۷۵ هجري لمریز کال د وري میاشتې ۱۴ ځوارلسمه نېټه وه چې د کندهار ښار په زړه میخانکي ښوونځي کې د ۱۵۰۰ دیني علماوو ستره غونډه دایره شوه.

د غونډې موخه د طالبانو لخوا د اسلامي امارت اعلانول او تر دې نوم لاندې د خپلو پوځي او سیاسي فعالیتونو پیلول و.

یادې غونډې ته د هېواد له بېلا بېلو سیمو ، د ولایاتو په کچه مشهور دیني عالمان را بلل شوي وو. د یادو عالمانو په منځ کې د هېواد په سطحه مشهور علماء؛ لکه: شېخ شهاب الدین (دلاور)، شېخ علامه عبد العلي (دیوبندي)، استاذ کل مولوي نور محمد (ثاقب)، خلیفه داد محمد صاحب، مولوي محمد ابصر او مولوي جلیل الله مولوي زاده؛ د بېلګې په ډول د یادولو وړ شخصیتونه وو.

غونډه د قیقاً د سهار په ۹ نهو بجو د عظیم الشان قران په تلاوت سره پیل شوه، تر هغه وروسته د طالبانو د تحریک مؤسس ملا محمد عمر مجاهد (رحمه الله) د تحریک پیلولو، د شوروي اشغال پر وړاندې د اسلامي جهاد د آرمانونو پوره کولو، په هېواد کې د ګډوډۍ او تنظیمي جنګونو ختمولو او له منځه وړلو په اړه تفصیلي خبرې وکړې.

ملا محمد عمر (مجاهد) په ډېره ساده او عام فهمه ډول په خپلې همدې وینا کې په افغانستان کې د اسلامي نظام جوړولو لپاره هغه شاخصونه ترسیم کړل، چې وروسته د اسلامي امارت په تاسیس سره هغه تدریجاً عملي شول.

مـلا محمـد عمـر (مجاهـد) پـه خپلـه وینـا کـې د تحریـک د تأسـیس ضـرورت، د تأسـیس لومړنـی مرحلـه او د تحریـک د تأسـیس د اهدافـو پـه اړه پـه زړه راښـکوونکي ډول خبـرې وکـړې.

نومـوړي د خپلـو خبـرو پـه یـوه برخـه کـې داسـې وویل:

(مـا دا تحریـک د تـوکل محـض پـر اسـاس پیـل کـړی، فقـط تـوکل محـض.

لـه دې څخـه زمـا اصلـي هـدف پـه افغانسـتان کــې د اســلامي شــریعت تنفیــذ او د جهــاد د شــهیدانو د آرمانونــو پــوره کــول دي).

خو ای ښاغلو علماوو!

تاســو زمــوږ اســتاذان او د شــرعي علــم علمــاء یاستئ! کـه زه پـه دغـه سـتر کار کـې؛ خـدای مـه کـړه لـه کـوم انحـراف او مشـکل سـره مـخ کېږم، اصـلاح او سـموالی مـې ستاسـې مسـؤلیت دی، تاسـو بـه راتـه پـر سـمې لارې د تللـو توصیـه او نصیحـت کـوئ، کنـه پـه ورځ د قیامـت بـه زمـا د هـر ډول انحـراف مسـؤلیت ستاسـې پـر غـاړه وي او زه بـه یـې لـه املـه ستاسـې ګریـوان تـه لاس دراچـوم ...)

پـه دغـه غونـډه کـې مـلا محمـد عمـر مجاهـد تـه د امیـر المؤمنیـن لقـب ورکـړل شـو او د ظلـم او تېـري پـر خـلاف د اسـلامي امـارت مبـارزه پیـل شـوه، تـر دې چـې د ۱۳۷۵ هجـري لمریـز کال د تلـې پـه شـپږمه د هېـواد پلازمېنـه «کابـل» هـم د اسـلامي امـارت تـر واک لانـدې راغـی او وروســې د ګــران هېــواد مرکــزي او شــمالي سـیمې هـم د طالبانـو تـر واک لانـدې راغلـې؛ چـې بالآخـره پـه دې توګـه پـه ۹۵ سـلنه خـاوره د اسـلامي امـارت حاکمیـت ټینـګ شـو.

د مرحـوم مـلا محمـد عمـر مجاهـد رحمـه اللـه پـه مشرۍ د افغانسـتان اسـلامي امـارت پـه هېـواد کـې د شـریعت پـر اساسـاتو ولاړ اسـلامي نظـام رامنـځ تـه کـړ، لـه اوږده ځنـډ وروسـته یـې یـو ځـل بیـا نـړۍ تـه د اسـلامي نظـام یـوه کامیابـه او ژونـدۍ بېلګـه نـړۍ تـه وښـوده، هېـواد یـې لـه تجزیـې وژغـوره او لـه نامسـؤلو وسـله والـو یـې ټولـې اسـلحې راټولـې او بیـت المـال ته وسـپارلې، داسـې بـې مثالـه امنیـت او عدالـت یـې راووسـت چـې ټولـه نـړۍ ورتـه هکـه حیرانـه پاتـې شـوه.

مرحـوم امیـر المؤمنیـن پـه داسـې یـو هېـواد کـې ډېـر ژر بشـپړ امنیـت تأمیـن کـړ، چـې د سـرو لښــکرو لــه ماتــې وروســته هلتــه خپلــه د بــې شـمېره تنظیمونـو او قوماندانانـو تـر منـځ ړنـدې مرمـۍ اورېـدې. د مـلا محمـد عمـر مجاهـد پـه مشــرۍ د اســلامي امــارت مخلصــو مجاهدینــو د دغــو ټولــو جنګیالیــو ټغــر ورټــول او یــو قــوي مرکـزي دولـت یـې جـوړ کـړ.

خــو کفــارو کلــه دغــه شــان ښــکلی اســلامي دولــت زغملــی شــوی، نــو هماغــه ؤ چــې د ګـران هېـواد د اشـغال او دغـه سـپېڅلي دولـت لـه منځـه وړلـو لپـاره یـې ډول ډول بهانـې کولـې، بیــا هغــه بدمرغــه ورځ هــم راغله،چــې د بــې

شـمېره اسـلامي هېوادونـو او پـه میلیونونـو تـش پـه نامـه اسـلامي پوځونـو پـه شـتون کـې صلیبـي ځواکونـو ګـران هېـواد اشـغال کـړ او د ځـو تالـي څټـو پـه نامـه يـې دلتـه ديموکراتيـک نظـام جـوړ کـړ.

د مرحـوم اميـر المؤمنيـن رحمـه اللـه عقيـدوی اړخ:

مـلا محمـد عمـر (مجاهد) پـه عقيـدوي او فکري لحاظ د مسـلمانانو د اهل السـنة والجماعة د منهج لاروی او د حنفـي مذهـب مقلـد و.د خرافاتـو او بدعتونـو سـخت مخالـف و، د مسـلمانانو ترمنـځ يـې مذهبـي، فکـري او تنظيمـي اختلافـات هېـڅ نـه خوښـېدل. خپلـو مجاهدينـو او ټولو مسـلمانانو تـه يـې پـه خپلـو منځونـو کـې د اسـلامي وحدت او فکـري همغـږۍ پـه ټينګولـو توصيـه او ټينـګار کاوه، د مسـلمانانو ترمنـځ عقيـدوي وحـدت او يووالـي يـې د وخـت لـه ټولـو مهـم ضـرورت بالـه او د قـرآن او حديثـو پـه رڼـا کـې يـې د سـلف صالحينـو او ائمـه مجتهدينـو پـه نقـش قـدم رفتـار کـول د اسـلامي امـت د نجـات اساسـي وسـيله ګڼلـه.

هوکـې ! ملامحمــد عمــر مجاهــد د ۲۱ پېــړۍ هغـه زاهـد واکمـن و، چـې خپلـه واکمنـي يـې د اللـه تعالـی د کلمـې تـر لوړوالـي ځـار کـړه. همــدې زړور او نوښــتګر قائــد او ســتر لاربښــود اميـر المؤمنيـن مـلا محمـد عمـر مجاهـد رحمـه اللـه، بالاخـره لـه الهـي قضـا او پرېکـړې سـره سـم د۱۳۹۲ هــ ش کال د ثــور مياشــتې پــه څلورمه، چـې د ۲۰۱۳ د اپريـل لـه ۲۴ مــې سـره سـمون خـوري، خپـل روح حقيقـي پاچـاه او تـل پاتـې رب تـه وسـپاره او د تـل لپـاره يـې لـه دې فانـي نـړۍ سـترګې پټـې کـړې، خـو تـر شـا يـې يـو نـه ماتېدونکـی ايمانـي ځـواک پرېښـود.

انا لله وانا اليه راجعون...

د مرحــوم اميــر المؤمنيــن مــلا محمــد عمــر مجاهـد رحمـه اللـه پـه اړه د اسـلامي علمـاوو، مفکرينــو او اســتادانو لنــډ تأثيــرات:

راځـئ دلتـه د دغـه نوښـتګر قائـد د وفـات پـه اړه د اسـلامي نـړۍ د علمـاوو، اسـلامي مفکرينـو او سياسـت پوهانـو ځينـې تاثـرات ولولـو:

د اسـلامي نـړۍ سـتر محـدث او د سـترو مجاهدينــو اســتاد علامــه شــيخ ابــو محمــد المقدســي ويلــي:

خـدای دې پـر امـام مـلا محمـد عمـر بانـدې رحـم وکـړي، د ده امثـال پـه اوسـنۍ زمانـې کـې ډېـر کـم ليـدل کېـږي، د اللـه تعالـی نظـام يـې پـر ځمکـه نافـذ کـړ، مهاجرينـو تـه يـې پنـاه ورکـړه، د نصحيـت ګـرو نصيحـت يـې ومانـه او لـه کفـارو سـره تـر هغـه وجنګېـد، تـر ځـو يقيـن (مـرګ) ورتـه راغـی.

د سـعودي عربسـتان سـتر محـدث او فقيـه؛ علامــه شــيخ علــوان:

د تاريـخ ټولـې پاڼـې مـې واړولې، خـو لـه مـلا محمـد عمـر پرتـه مـې داسـې حاکـم پيـدا نـه

کـړ، چـې هغـه دې خپلـه واکمنـې د اللـه تعالـی لـه ديـن څخـه قربـان کـړي وي. اللـه دې پـرې ورحمېـږي او جنـت الفـردوس يـې ځـای شـه!

مشهور ژورناليست عرفان صديقي:

هغـه چـې کلـه د خپلـې واکمنـی د وروسـتي ښـار «کندهـــار» لـــه ســقوط وروســته د افغانســتان د مغـرورو غرونـو پـه خـوا روان و، نـو پـه تنـدي يـې لـه اللـه تعالـی پرتـه بـل چـا تـه د سـجدې خـاپ نـه ښـکارېدو.

دوکتور حاکم المطيري الکويتي:

د مـــلا محمـــد عمـــر مجاهـــد پـــه وفـــات ســـره اســلامي امــت يــو ســتر مجاهــد زعيــم لــه لاســه ورکـــړ، داســـې زعيـــم چـــې د يرغلګـــرې صليبـــي ټلوالـــې پـــر خـــلاف يـــې تاريخـــي مقابلـــه پيـــل کـړه.ای د اسـلامي امـت زعيمـه! تـه پـه ريښـتيا د اسـلامي امـت لپـاره داسـې امـام وې، چـې د اســـلامي امـــت موجـــود او راتلونکـــي نســـلونه ، د هغـــوی ټـــول جهـــادي او فکـــري نهضتونـــه او فقهـــي مـــدارس بـــه پـــه تـــا پســـې اقتـــداء کـــوي. اې لويـــه اســـتاذه ايـــا تـــه پـــه ريښـــتيا لـــه مـــوږه وکوچېـــدې؟!

دکتور شامل:

اې د نړۍ ژبپوهانو او اديبانو!

راشـــئ د نـــړۍ د ټولـــو ژبـــو قاموســـونه لـــه ســـره وليکـــئ، لـــه هغـــو ټولـــو څخـــه د رجوليـــت (نارينـــه تـــوب) لغـــت وباســـئ او پرځـــای يـــې يواځـــې د مـــلا عمـــر نـــوم ورځـــای کـــړئ...

أبو حمزة الدرعاوي:

دا شـرعي مسـئله ده چـې څـوک لـه دښـمن سـره د مقابلـې پـه سـنګر کـې د ربـاط پـه حـال کـې وفـات شـي، هغـه شـهيد دی. خـدای تعالـی دې د شـــهيد مـــلا محمـــد عمـــر (مجاهـــد) شـــهادت قبـــول کـــړي او اللـــه تعالـــی دې جنـــت الفـــردوس تـــه داخـــل کـــړي.

أبو عزام الأنصاري:

لـــوی ســـړی و، پـــه ډېـــر لـــوی وجـــود کـــې اميـــر (ســاربان) يــې پيــاده شــو (وفــات شــو) خــو قافلــه مـخ پـه وړانـدې روانـه ده.

پـر دې سـربېره د اميـر المؤمنيـن د وفـات خبـر د نـړۍ ټولـو مسـلمانانو تـه يـو غمجـن خبـر ؤ او د اســلامي نــړۍ زيــات شــمېر علمــي او جهــادي شـخصيتونو پـه دې اړه د اسـلامي امـارت د مشـر تابـه پـه نـوم د غمشـريکي او خواخـوږۍ پيغامونـه راولېـږل.

لـــه مـــلا محمـــد عمـــر مجاهـــد ســـره د مشـــهور ژورنالســـت «تيســـير علونـــي» يـــوه لنـــډه خاطـــره: کلـــه چـــې پـــه ۲۰۰۰م کال امريـــکا پـــر افغانســـتان ډېـــر زيـــات بنديزونـــه وضـــع کـــړل، نـــو څـــه مـــوده پـــس د اســـلامی نـــړۍ ګـــڼ شـــمېر مشـــهور علمـــاؤ او مفکريـــن لـــه مـــلا محمـــد عمـــر مجاهـــد ســـره د ليدنـــې خپلـــو خپلـــو مشـــورو شـــريکولو پـــه موخـــه افغانســـتان تـــه راغلـــل.

پـه دغـه وفـد کـې د مصـر د الازهـر جامعـې درې اسـتادان، مشـهور اسـلامي مفکـر فهمـي هويدي،

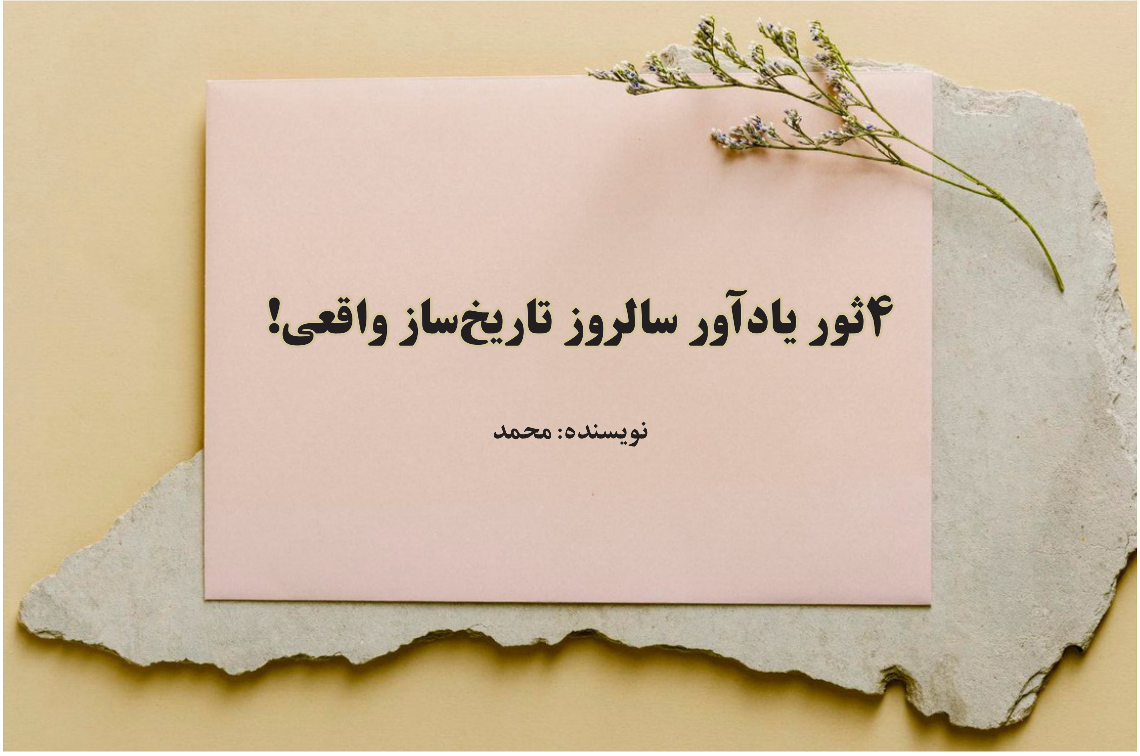
د اسـلامي نـړۍ د علمـاؤ ټولنـې مشـر دوکتـور یوسـف القرضـاوي او ګڼـو نـورو علمـاؤ ګـډون درلـود، لـه دوی سـره د الجزیـرې تلویزونـي شـبکې لـه خـوا د افغانسـتان د ځانګـې مسـئول ښـاغلی تیسـیر علونـي هـم پـه دغـه پـلاوي کـې ملګـری ؤ. نومـوړي لـه امیـر المؤمنیـن مـلا محمـد عمـر مجاهـد رحمـه اللـه سـره د خپـل ملاقـات تأثـر داسـې بیانـوي:

د مـلا محمـد عمـر مجاهـد د کار دفتـر تـه لـه ور رسـېدو سـره سـم هلتـه مېشـتو طالبانـو پـه درناوي اسـتقبال کـړو، نـه یـې تلاشـي او نـه یـې هـم پـه دروازه کـې پـه انتظـار کولـو سـره ماتـل کـړو.

بلکـې لـه ور رسـېدو سـره سـم یـې یـوه مسـتطیل پـه شـکل تـالار تـه راهنمایـي کـړو.

پـه تـالار کـې افغانـي قالینـې ویـړې او ځنګـو تـه یـې عـادي تکیـې ایښـې وې.

لـږ سـاعت وروسـته مـلا محمـد عمـر مجاهـد لـه دوو نفـرو وسـله والـو طالبانـو سـره تـالار تـه را دننـه شـو. دنګـه بـې غوښـې ونـه ، مناسـبه تـوره ږیـره او غنـم رنګـه زړه وړونکـې څیـره یـې لرلـه. تـوره لنګوټـه یـې پـر سـر او پـر خاکسـتري رنګـه جامـو یـې د زوړ والـي نښـې لـه ورایـه ښـکاریدې.د یـوه ژورنالیسـت پـه توګـه مـا غوښـتل ډېـر پـه دقـت د هغـه رنـګ او څیـرې تـه وګـورم، خـو دومـره یـې تـر تاثیـر لانـدې راغلـم، چـې د مخامـخ کتلـو تـوان مـې لـه لاسـه ورکـړ. نومـوړی لـه مـوږ ټولـو سـره تـر روغبـړ وروسـته؛ د تـالار پـه ښـې کونـج خپـل ځـای کـې کیناسـت. زه لـه نومـوړي نـه کیـڼ لورتـه څلـورم نفـر وم، مـا یـې د ناسـتې پـر مهـال غلـي غلـي د خبـرو او حرکاتـو وضعیـت څـاره ، هغـې سـترګې تـه یـې ډېـر ځیـر وم چـې د شـوروي اشـغال پـر مهـال یـې پـه جهـاد کـې لـه لاسـه ورکـړې وه، خـو هغـه مې هـم دقیقـه صحیـح نـه کـړای شـوه، ځکـه زه د نومـوړي چـپ لـوري تـه ناسـت وم.نومـوړي پـه خپـل ځـای کـې تـر کیناسـتو وروسـته د مجلس برخوالـو تـه د ښـه راغلاسـت ترڅنـګ لـه هغـوی څخـه د خبـرو اورېـدو غوښـتنه وکـړه، هغـوی هر یـوه پـه خپـل نوبـت خبـرې کولـې او ده پـه آرامـه ورتـه غـوږ نیولـی و، کـوم ځـای چـې بـه یـې د پوښـتنې ضـرورت شـو، هلتـه بـه یـې وضاحـت غوښـت.په ټـول مجلـس یـو ځانګـړې کیفیـت طـاریٔ و.زه چـې د مجلـس پـه برخوالـو کـې یـې لـه ټولـو زیـات تـر اغېـزې راغلـی وم ، لـه نومـوړي سـره د خبـرو پـه مهـال مـې دا حـس کولـه چـې واقعـاً هـم لـه یـوه واقعـي واکمـن حکمـران سـره مـخ یم.عجیبـه دا وه چـې د مجلس پـه ټولـو برخوالـو کـې مـلا محمـد عمر مجاهـد پـه ځوانـۍ او جامـو کـې لـه ټولـو خـوار مالومېـده ، خـو معنـوي هیبـت یـې بیـا ټـول مجلـس پـه خـارق العادتـه ډول تـر اغېـز لانـدې راوسـتی ؤ. تـر قرنونـو بـه یادېـږي هـر مؤمـن بـه پـرې نازېـږي مجاهـد محمدعمـر بـه مـو تـل زړونـو کـې اوسـېږي



۴ثور یادآور سالروز تاریخ‌ساز واقعی!

نویسنده: محمد

در زمـان طلبگـی همـواره از اسـتاد عزیزمـان جنـاب مفتـی محمدقاسـم صاحـب می‌شـنیدیم: «فقـط بـه خوانـدن تاریـخ اکتفـا نکنیـد، بلکـه تاریخ‌سـاز باشـید.»

از آن‌روز بـه بعـد در این سـخن ایشـان تأمـل کردم کـه تاریخ‌سـازان واقعـی چـه کسـانی هسـتند و چـه ویژگی‌هـا و خصائصـی دارنـد. وقتـی قلـم را برداشـتم تـا در بـارهٔ مجاهـد نسـتوه و ابرمـرد تاریخ‌سـاز کشـور عزیزمـان افغانسـتان مطلبـی بنویسـم. ایـن قـول در برابـر دیـدگان جلـوه کـرد و درک کـردم کـه چگونـه بایـد «تاریـخ» سـاخت و چگونـه بایـد آن‌را بـرای نسـل‌های آینـده باقـی گذاشـت.

۴ ثـور، سـالروز مجاهـدی اسـت کـه تاریـخ افغانسـتان را متحـول سـاخت. افغانسـتان را بـار دیگـر از تجزیـه، تشـتّت و پراکندگـی و از مضمحل‌شـدن و سـقوط کردن در پرتـگاه نابودی رهانیـد. ایـن نکتـه را کسـانی درک می‌کننـد کـه بـا بزرگ‌مـرد تاریخ‌سـاز هم‌عصـر بـوده و فتنه‌هـای آن زمـان را بـا چشم‌سـر مشـاهده کـرده باشـند. به‌گمانـم بعـد از خوانـدن ایـن مقدمـه، حتمـا پـی بـرده باشـید کـه می‌خواهـم زندگـی و حـالات چـه کسـی را بیـان کنـم. اری، ایـن شـخصیت مجدّد و تحول‌آفریـن کسـی نبـود، جز امیـر المومنیـن ملامحمدعمـر مجاهـد -رحمـه اللـه- کـه نام‌شـان در تاریـخ افغانسـتان بـا جهـاد، شـجاعت، شـهامت، مردانگـی، جرئـت، بی‌باکـی، دلاوری، غیـرت و مقاومـت در برابـرِ فسـاد، ناهنجـاری، عربده‌کشـی و سرکشـی گـره خورده‌اسـت.

بـرای این‌کـه بدانیـم ایشـان در حـقّ مـردم افغانسـتان چـه احسـان بزرگـی انجـام داد، بهتـر اسـت بـه احـوال و اوضـاع متشـنج آن دوران گـذری داشـته باشـیم تـا قـدر ایـن ابَرمـرد را بـه خوبـی درک کنیـم:

بعـد از شکسـت شـوروی و پیروزشـدن مجاهدیـن، مـردم افغانسـتان و مجاهدیـن به‌امیـد این‌کـه کشـور آرام، پرامـن و سراسـر خیـر اسـت بـه کارهـای خـود مشـغول شـدند. حکومـت و حکومـت‌داری را بـرای کسـانی گذاشـتند کـه خـود را در رأس می‌دانسـتند؛ امـا دیـری نپاییـد کـه بـاز گرگانـی در پوسـتین میـش پـا بـه عرصـه نهادنـد. هرج‌ومـرج گوشـه‌وکنار را فـرا گرفـت. تعدی‌وتجـاوز بـه حریـم دیگـران، بـه‌زور گرفتـن حـق مـردم، پایمال‌کـردن حقـوق هم‌وطنـان آغـاز شـد. اوضـاع روزبـه‌روز وخیم‌تـر می‌شـد. چوروچپـاول، وحشـیت‌وبربریت و بـه یغمـا بـردن امـوال مـردم شـروع شـد؛ تاجـران، ثروت‌منـدان و کسـبه‌کاران نمی‌توانسـتند امـوال خـود را بـدون دسـتبرد از یک‌جـا به‌جـای دیگـر منتقـل سـازند. تفنگ‌سـالاران و جنگ‌جویـان بـه نـام جهـاد و مجاهدیـن مـردم را در تنگنـا قـرار دادند. پوسـته‌ها و پاتوق‌های‌شـان در محـل عبورومـرور مـردم مانـع آمدوشـد مـردم از یک‌جـا به‌جـای دیگـر می‌شـد. فضـا کامـلاً متشـنج بـود. حریـم مـردم از دسـت ظالمـان و زورگویـان در امـان نبـود. ایـن حالت‌هـا روزبـه‌روز رو بـه افزایـش بـود. مردمـی کـه در طـول دوران جهـاد و مقاومـت در برابـر کمونیسـت‌ها بـا مجاهدیـن هـم‌کاری کـرده بودنـد، از ایـن اوضـاع پرآشـوب و ناامـن بـه سـتوه آمدنـد و بـه مجاهدیـن و کسـانی کـه روزی جهـاد کـرده بودنـد و حـالا دیگـر دسـت کشـیده بودنـد شـکایت کردنـد کـه چـرا در برابـر ایـن حـالات، خامـوش و بی‌صـدا هسـتند و چـرا واکنشـی نشـان نمی‌دهنـد. این‌جـا بـود کسـانی کـه خـونِ جهـاد، شـهادت و عـزت در رگ‌هـای آنـان جـاری بـود ایـن ظلـم، تعـدی و تجـاوز را برنتافتنـد و در مقابـل آن قیـام نمودنـد و بـرای نجـات کشـور برنامه‌ریـزی و پلان‌گـذاری کردنـد. امیرالمومنیـن مـلا محمدعمـر مجاهـد -رحمـه اللـه- شـخص شـجاع، عالـم و مجاهـد مقتـدر بـود. ایشـان کـه در برابـر کمونیسـت‌ها جنگیـده بـود و صلاحیـت، شـهامت و جرئـت و جسـارتش بـرای همـگان نمایـان بـود، در آن‌زمـان در قندهـار به‌سـر می‌بُـرد. امیـر المومنیـن -رحمـه اللـه- بـرای برچیـدن بسـاط ایـن فسـاد و بی‌بندوبـاری بـا هم‌دوره‌هـای خـود بـه مشـوره پرداخـت. در آن‌زمـان ایشـان بـا گروهـی از طـلاب در برابـر ایـن سـتم‌ها قیـام کردنـد و مدتـی نپاییـد کـه بسـیاری از مـردم رنج‌دیـده و ستم‌کشـیده در کنـار آنـان جمـع شـدند.

جایـگاه ایشـان و مجاهدیـن و جهـاد در میـان

مـردم متدیـن و مجاهدپـرور افغانسـتان روزبـه‌رو در حـال رشـد بـود. همیـن دین‌دوسـتی و علاقـه بـه جهـاد مـردم بـود کـه توانسـتند در کم‌تریـن مـدت شـهرها، ولسـوالی‌ها و ولایت‌هـا را یکـی پـس از دیگـری از دسـت تفنگ‌سـالاران و زورگویـان بیـرون کننـد و مـردم نیـز بـرای از بین‌بـردن لانه‌هـای فسـاد و فتنـه‌ی مفسـدان، بـا ایشـان هم‌فکـر و هم‌صـدا بودنـد. در مـدت اندکـی ایشـان بـا هم‌سـنگران و مبـارزان جـان برکـف وارد کابـل شـدند و امارت‌اسـلامی در اکثـر کشـور حاکـم گردیـد.

بـا تحکیـم شـریعت، پیاده‌سـازی قوانیـن قـرآن و نافـذ نمـودن احـکام شـریعت در افغانسـتان، امنیـت بی‌سـابقه‌ای بـه وجـود آمـد. مـردم از امارت‌اسـلامی اسـتقبال کردنـد. امیرالمومنیـن را دوسـت داشـتند. دشـمنان دیـن و امارت‌اسـلامی ایـن علاقـه‌ی مـردم بـه امارت‌اسـلامی و نفـاذ شریعت‌اسـلامی را بـر نتافتنـد و بـا شـیوه‌های گوناگونـی بـه مقابلـه بـا آن برخاسـتند. امیـر المومنیـن -رحمـه اللـه- در آخـر مجبـور شـدند دسـتور دادنـد تـا مجاهدیـن از مواضـع خـود عقب‌نشـینی کننـد و خـود ایشـان نیـز در همـان اوضـاع بحرانـی در همیـن کشـور باقـی مانـد. وقتـی بـا دقـت، تاریـخ ایـن بزرگ‌مـرد را بررسـی می‌کنیـم در می‌یابیـم کـه چگونـه ایشـان تمـام عمـر خـود را فـدای دیـن اللـه متعـال نمـود؛ ولـی لحظـه‌ای از مقابلـه بـا دشـمن دسـت نکشـید. دشـمن بـا تمـام امکانـات روز کوشـید تـا محـل سـکونت ایشـان را کشـف کنـد؛ امـا تلاش‌هـای شـان بیهـوده مانـد و نتوانسـتند مخفـی‌گاه و محل برنامه‌ریـزی مـلا محمدعمـر مجاهـد -رحمـه اللـه- را بیابنـد؛ زیـرا خداونـد متعـال ایشـان را حفـظ نمـود.

یکـی از سـخنان امیرالمومنیـن رحمه‌اللـه کـه واقعـا قابـل تأمـل اسـت: «خداونـد بـه مـا وعـده نصـرت و پیـروزی داده اسـت و دشـمن بـه مـا وعـده شکسـت و هزیمـت، حـالا مـا منتظریـم ببینیـم کـدام وعـده محقـق می‌شـود.» ایـن یقیـن پختـه و اعتمـاد کامـل بـه ذات اللـه متعـال بـود کـه ایشـان را واداشـته بـود تـا در مقابـل تمـام قدرت‌هـای دنیـا بـه مقابلـه بپـردازد.

امـروزه اگـر مـا از نعمـت امنیـت، اسـتقلال و آزادی کشـور برخورداریـم بـر می‌گـردد بـه تـلاش ایشـان و تمـام مجاهدینـی کـه در ایـن راه زحمـت کشـیدند و قربانـی دادنـد.

خداونـد متعـال همـه شـهدا را در بهتریـن رحمت‌هـای خـود قـرار دهـد و زنـدگان را توفیـق پیمـودن راه آنـان نصیـب فرمایـد. آمیـن.



در جهـان امـروز، کشـورها بـا تمـام قـدرت و توانایـی کـه دارنـد، بـاز هـم در از بیـن بـردن فسـاد و ناهنجاری‌هـا در برخـی از قسـمت‌ها عاجـز مانـده انـد.

امـا دیـن مقـدس اسـلام ۱۴۴۵ سـال قبـل بـا آمدن اش، چنـان جامعـه‌ای را ایجـاد کـرد کـه اگـر اعضـای جامعـه بـه ارزش‌هـای نـاب اسـلامی پاینـد باشـند، آن جامعـه هرگـز بـا مشـکلات و ناهنجاری‌هـا روبـرو نخواهـد شـد.

ایـن دیـن مقـدس و مکتـب جامعه‌سـاز، بـا آموزه‌هـای نابـی کـه دارد، چنـان افـرادی را تربیـه و بـه جامعـه تقدیـم می‌نمایـد کـه بـدون قـوه قهریـه و نظـام و سیسـتم، آن جامعـه در امـان اسـت.

چـرا؟ چـون اسـاس برتـری در نظامـی کـه اسـلام عزیـز آورده، تقـوا اسـت و ایـن تقـوا، متضمـن سـلامتی، امنیـت، آرامـش و زنده‌گـی سـعادت‌مندانه بـرای انسـان در دنیـا و آخـرت می‌باشـد.

از آن جـا کـه انسـان‌ها بـه ارزش‌هـای مـورد قبـول شـان اهمیـت می‌دهنـد و بخاطـر پـاس‌داری از آن‌هـا، حتـی از جـان شـان نیـز میگذرنـد، طبیعـی اسـت کـه پایبنـدی بـه ارزش‌هـای نـاب اسـلامی و پیشـه کـردن تقـوا، می‌توانـد جامعـه را در امنیـت و آرامـش، بـه تعالـی و پیشـرفت برسـاند.

تقـوا بـه معنـای انجـام اوامـر و تـرک نواهـی کـه خـدای متعـال بـرای مسـلمانان مقـرر داشـته و بـه معنـی پرهیـزکاری از اعمـال ناپسـند و اجـرای اعمـال نیـک، فقـط بخاطـر خوشـنودی اللـه جـل جلالـه می‌باشـد.

از آن جـا کـه فـرد مسـلمان، خداونـد متعـال را در همـه جـا بـر خـود ناظـر می‌پنـدارد و تـلاش اش

فقـط بخاطـر خوشـنودی او تعالـی اسـت، هرگـز بـه اعمـال زشـت در خفـا و آشـکارا، دسـت نخواهـد زد.

چنیـن جامعـه‌ای را چطـور می‌تـوان تصـور کـرد؟ جـز ایـن نیسـت کـه ایـن جامعـه بـه تعالـی و پیشـرفت در پرتـو امنیـت و آرامـش خواهـد رسـید؟

بلـی! بـدون شـک کـه در ایـن جامعـه، نشـانی از بدبختـی و مشـکلات وجـود نخواهـد داشـت.

مـا مسـلمانان عقیـده و بـاور داریـم کـه خـدای متعـال همـه اعمـال مـا را می‌بینـد و در هـر جـای، بـه همیـن دلیـل، در جمع و تنهایی، او را ناظـر پنداشـته و دسـت از انجـام اعمـال ناپسـند نگهمیداریـم.

شـکی نیسـت کـه انسـان اعمـال اش را بخاطـر علاقـه، عشـق و محبـت یـا بخاطـر کسـب منفعـت و یـا تـرس از ضـرر رسـیدن بـه خـود، انجـام می‌دهـد و یـا تـرک می‌کنـد.

بـا ایـن وصـف، اگـر در انجـام اعمـال خـود، تقوا را پیشـه کنیـم و بخاطـر خـدای متعـال که همیشـه و در همـه جـا بـا مـا اسـت و مـا را می‌بینـد، از انجـام اعمـال ناجایـز خـود داری کنیـم، شـک نکنیـد کـه جامعـه مـا بـه سـمت ترقـی پیـش خواهـد رفـت و زنده گـی مرفـه بـرای همـه مهیـا میگـردد.

مگـر امـکان دارد چنیـن جامعـه ای، بـا بحـران و تزلـزل روبـرو شـود؟ هرگـز.

دروغ، خیانـت، دزدی، فسـاد اخلاقـی و اداری، فریـب، غیبـت، منافقـت و مـواردی از ایـن قبیـل، از جملـه اعمـال ناشایسـت و گنـاه در آمـوزه هـای دیـن مبیـن اسـلام معرفـی شـده و انجـام و فراگیـری آن در جامعـه، بنیـاد جامعـه را از بیـن میبرنـد و در مقابـل، راسـتی، صداقـت، مهربانـی، شـفقت و مـواردی از ایـن قبیـل، جـزء اعمـال پسـندیده محسـوب می‌شـوند کـه انجـام شـان، بنیـاد اجتمـاع را مسـتحکم نگهداشـته و جامعـه را بـه سـمت ترقـی جهـت مـی دهنـد.

وقتـی همـه افـراد جامعـه خـود شـان را از ایـن اعمـال دور نگهدارنـد، راهـی بخاطـر بدبختـی و مشـکلات در جامعـه باقـی نمیمانـد و دشـمن هرگـز نمی‌توانـد بـه هـدف شـوم خـود، بخاطـر بربـادی و تباهـی در آن جامعـه دسـت پیـدا کنـد.

حـالا اگـر کـه در یـک جامعـه اعمـال ناپسـند در بیـن مـردم مـروج باشـد، بـه نظـر شـما، ایـن جامعـه چـه مسـیری را در پیـش دارد؟ طبیعـی اسـت و جـواب بـرای همـه واضـح مـی باشـد، ایـن جامعـه، روی آرامـش و امنیـت مـورد نیـاز را بـه خـود نخواهـد دیـد.

زیـرا در ایـن جامعـه، رفتـار و اعمـال انسـان‌ها بـا همدیگـر، بـر اسـاس دروغ، خیانـت، فریـب و مـواردی از ایـن قبیـل اسـتوار خواهـد بـود و نفـع شـخصی، بـر نفـع عمومـی ترجیـح داده خواهـد شـد.

در ایــن چنیــن محیطـی، فـرد بخاطـر بدسـت آوردن منفعـت شـخصی، دسـت بـه هـر کاری میزنـد و هـر اقدامـی کـه حتـی بـه نفـع جامعـه و

خــود اش هــم نباشــد، انجــام می‌دهــد.

امــا اعمــال پســندیده وقتــی در یــک جامعــه مــروج باشــد، ایــن جامعــه بــه کجــا خواهــد رسـید؟ بـاز هـم جـواب بـرای همـه مـا روشـن اسـت، مسـیرش بـه سـوی ترقـی مـی باشـد. زیـرا در جامعـه، حکـم دیـن و ارزش‌هـای نـاب اسـلامی حاکـم اسـت و فـرد حتـی کوچکتریـن خطـا را نخواهـد کـرد و تـلاش می‌نمایـد تـا از خطـوط سـرخ، تجـاوز نکنـد. زیـرا برایـش خوشـنودی خداونـد متعـال مطـرح اسـت و راضـی بـودن الله متعـال، جز بـه اعمـال نیـک و پسـندیده، بدسـت نمـی آیـد.

در جوامـع و کشـورهای امـروزی، حکومـت هـا بـا ایجـاد قوانیـن و مجـازات بـرای اعمال ناپسـند، در تـلاش انـد تـا جرایـم را کاهـش دهنـد ولـی بـا آن هـم، نتوانسـته انـد آمـار جرایـم مختلـف را در جهـان کاهـش دهنـد و باندهـای مافیایـی را از بیـن ببرنـد.

امـا دیـن مبیـن اسـلام یـک نسـخهٔ بی‌نظیـر را بـرای کنتـرل جوامـع و هدایـت افـراد جامعـه بـه سـوی ترقـی و پیشـرفت معرفـی می‌کنـد و آن هـم تقـوا اسـت کـه بـدون نهـاد مجریـه و زور، در جامعـه تطبیـق می‌شـود و جامعـه را بـه سـوی ترقـی جهـت مـی دهـد.

کافـی اسـت کـه از کودکـی، بـه اطفـال آموزه‌هـای دیـن مبیـن اسـلام آمـوزش داده شـود و بـا ارزش‌هـای اسـلامی، تربیـت و بزرگ شـوند، در بزرگسـالی خـود شـان، راه خـود را پیـدا مـی کننـد و بـه ایـن ترتیـب، آمـار جرایـم و فسـاد بـه صـورت خـودکار در جامعـه از بیـن میـرود.

تقـوا فقـط یـک نـام اسـت کـه بـر خـودداری کـردن از انجـام اعمـال ناپسـند توسـط انسـان و انجـام اعمـال نیـک کـه خداونـد متعـال بـه انسـان امـر کـرده، اطـلاق گـردد، بلکـه اگـر بخواهیـم آن را در عمـل تعریـف کنیـم، تقـوا یعنی انجـام نـدادن اعمـال تخریـب کننـده و ناپسـند در جامعـه، چیـزی کـه همـه مـا در زنـده گـی اجتماعـی، خواهـان تحقـق آن اسـتیم.

بـدون شـک، دیـن مبیـن اسـلام بـرای مـا خیـر و خوبـی می‌خواهـد و همـه ارشـادات اش، بـه نفـع مـا اسـت. هرگـز فـردی پیـدا نمی‌کنیـد کـه بتوانـد یـک ضـرر احـکام دیـن مبیـن اسـلام بـرای انسـان‌ها را پیـدا کنـد.

ایـن دیـن مبارک بـه ساده‌گی، ایـن همـه طرفدار و فـداکار نـدارد، بلکـه براسـاس داشـته‌هایش و خوبی‌هـای کـه بـه انسـان‌ها بـه ارمغـان آورده، خـود بـه خـود انسـان‌ها را بـه سـوی خـود کشـانده اسـت.

تنهـا همیـن موضـوع تقـوا، بـرای یـک جامعـه کافـی اسـت تـا بـه سـوی تعالـی بـرود، زیـرا همـه جوانـب زنده‌گـی را در برمی‌گیـرد و همـان اسـت کـه جامعـه را بـه ترقـی و سـعادت می‌رسـاند. شـک نکنیـد کـه اگـر افـراد جامعـه تقـوا را پیشـه کننـد، آن جامعـه خـود بـه خـود، مسـیر ترقـی را بـه پیـش می‌گیـرد.

نقش، اهمیت وتاثیر تربیت درست فرزندان بر آینده آنان

نویسنده: شفیقه امیری

منشـأ تمامـی رفتارهـای انسـان برمیگردد بـه کانون خانـواده کـه نخسـتین و مهمتریـن مـکان یادگیری بـرای فرزندان به حسـاب می‌آید. اعضـای خانواده هسـتند که سـاختار، رفتار و شـخصیت فرزند خود را بنیـان گـذاری میکننـد و آن را بـرای اجتماعـی شـدن آماده میسـازند.

زمانـی کـه یـک طفل بـه دنیا مـی آید، یـک دوره حسـاس بـرای والدیـن میباشـد کـه بایـد بیشـترین توجـه خـود را صـرف تربیـت فرزنـد خـود نمایند. در ایـن زمـان طفـل بـه مثابه یـک نهالی اسـت که تـازه غـرس می‌شـود و اگر به آن رسـیدگی صورت گیـرد، زود بـزرگ شـده و ثمـر میدهـد. طفـل هم همیـن قسـم اسـت. هـر چقـدر که پـدر و مـادر به طفولیـت در قسـمت تربیـت فرزنـد خـود تـلاش کننـد نتیجـه و ثمـر آن را در آینـده خواهنـد دید.

امـا تربیـت درسـت چیسـت؟ و چگونـه خانـواده میتوانـد نقـش مثبتـی را در تربیـت فرزنـدان خـود داشـته باشـد؟

کلمـۀ تربیـت در زبـان فارسـی دری بـه معنـی پـروردن، آموختـن، ادب و اخـلاق میباشـد و امـا تربیـت دینـی بـه مجموعـه ای از قواعـد منظـم و هدفـداری گفتـه می‌شـود کـه برگرفتـه از دین بوده و هـدف آن رهنمایی و شـیوۀ درسـت یـک زندگی مفیـد و خـوب در دنیـا و آخـرت میباشـد . کـه نـه تنها در مسـاجد و مدارس بلکه در خانه نیز توسـط والدیـن قابـل ارایه و آمـوزش برای فرزندان اسـت.

دیـن اسـلام همانطـور کـه بـه تمـام ابعـاد زندگـی انسـان توجـه داشـته و شـاخص هـا و معیـار هـای اسـلامی را بیـان نمـوده اسـت ، در قسـمت تربیت فرزنـدان نیـز وظایـف و رهنمـود هـای را بـرای والدیـن بیـان میـدارد. از آن جملـه خداونـد متعال در سـوره فرقـان میفرمایـد؛ یکی از ویـژه گی های بنـدگان راسـتین، داشـتن توجـه خـاص بـه تربیـت فرزنـدان و خانـواده اش میباشـد.

حتی گذاشـتن نام نیکـو نیز یکی از وظایف تربیتی والدیـن میباشـد، طـوری که رسـول الله صلـی الله علیـه و سـلم میفرماینـد؛ نخسـتین چیـزی کـه هـر یـک از شـما بـه فرزنـد خـود پیشـکش میدهیـد، همانـا نـام نیکـو اسـت. والدیـن باید سـعی کنند تا فضایـل اخلاقـی را بـه نحـو احسـن آن بـه فرزندان خـود آمـوزش دهنـد. ماننـد احتـرام گذاشـتن بـه بـزرگان آداب صحبـت کردن ومسـایل زیاد دیگر.

فضـای خانواده بایـد یـک فضـای صمیمانـه بوده و والدیـن الگـو هـای خوبـی بـرای فرزنـدان خـود باشـند. چراکـه فرزنـدان الگـو پذیـری را در قـدم اول از پـدر و مـادر و بعـدا از اعضای خانوادۀ خود شـروع میکننـد. و اگر ناهماهنگـی در رفتار والدین وجود داشـته باشـد شـخصیت پـدر و مـادر در نظر طفـل کـم رنگ شـده و آهسـته آهسـته اطاعت از والدین را نادیده میگیرد. اسـلام دسـتور داده است

کـه بایـد پـدر و مـادر بـه اسـاس محبـت فرزنـدان خـود را تربیـت کننـد زیـرا محبت سـبب می‌شـود تـا فرزنـد اعتمـاد بـه نفـس بـالا و آرامـش روانـی داشـته باشـد.

والدیـن باید شـخصیت کودک را مـورد توجه قرار داده و بـه احتـرام بـا وی رفتـار کننـد، چـون کـه احتـرام بـه کودک سـبب می‌شـود تا وی احسـاس شـخصیت و عزت نفس داشـته و بیشـتر به سخنان والدیـن گـوش دهد.

تربیت صحیح فرزند و تاثیر آن بر آینده

تربیـت فرزنـد یکی از موضوعات مهـم در خانواده اسـت. کـه بایـد از جهـات مختلـف مـورد توجه و بررسـی قـرار گیـرد. امـا حـالا میپـردازم بـه اینکـه تربیـت درسـت فرزنـدان چـه فوایـد و تاثیـر مثبتـی در آینـده آنـان خواهـد داشـت. تربیـت صحیـح و درسـت فرزنـد در دوران کودکـی عـلاوه بـر آثـار فـردی، آثـار خانوادگی، اجتماعـی و معنوی نیز در پـی خواهد داشـت.

آثـار فـردی» انسـان بـا تربیـت سـالم اول از همـه خودش احسـاس آرامش و رشـد احساس ارزشـمند بـودن ،عـزت و اعتمـاد بـه نفس میکند.

تربیـت سـالم سـبب ایجـاد یـک پیونـد عمیـق بین انسـان و خـدا می‌شـود.

یـک فـرد دارای تربیـت سـالم همـواره تـلاش میکنـد چیـزی بیامـوزد و از آموختـه هـای که دارد در زندگـی اسـتفاده کـرده و در زندگی اشـتباهات کمتـری انجام دهـد. هر موقع هم از وی اشـتباهی سـر زنـد خـودش متوجـه اشـتباهش خواهد شـد.

آثـار خانوادگـی: بسـیاری از مـادران هسـتند که از اخـلاق و جایـگاه فرزنـدان خـود در جامعـه رنـج میبرنـد. وقتـی یـک فرزنـد معتـاد، خلافـکار و یـا پرخاشـگر باشـد، اول از همه خانواده اش احساس آرامـش نداشـته و نـاراض میباشـند. پـس تربیـت سـالم میتواند سـبب آرامش در خانـواده و رضایت منـدی والدین شـود.

آثـار اجتماعـی: انسـان یـک موجـود اجتماعـی اسـت. لـذا نیاز بـه حضور در جامعـه دارد و زمانی کـه میخواهـد وارد جامعـه شـود و در اجتمـاع قرار بگیـرد، بایـد یـک سـری معیار هـای ماننـد اخلاق خـوب مدیریـت رفتـاری و کلامـی مناسـب و همچنـان احسـاس مسـئولیت داشـته باشـد.

آثـار معنـوی: تربیت سـالم سـبب پیونـد عمیق بین انسـان و خـدا می‌شـود. افـرادی کـه تربیـت سـالم دارنـد دارای اخـلاق رفتار و گفتار شایسـته بوده و سـبب ایجاد یک جامعه سـالم و مطلوب میشـوند. بـه بـزرگان احترام گذاشـته و تمـام فضایل اخلاقی را مـد نظـر میگیرند.

در کل میتوان گفت تربیت سـالم میتواند احساس مسـئولیت پذیـری را درآینـده بـرای فرزنـدان ایجاد کنـد. احسـاس مسـئولیت در قبـال خانـواده، احسـاس مسـئولیت در قبـال جامعـه و همچنـان احسـاس مسـئولیت در قبـال محیطـی کـه در آن زندگـی میکنـد.

خانـواده بـا تربیـت سـالم، یـک فـرد مفیـد و تاثیرگـذار بـرای جامعـه تقدیـم میکند. کـه نه برای جامـه ضـرر میرسـانند و نـه بـرای محیـط زیسـت بلکـه همـواره در راسـتای پیشـرفت جامعـه تـلاش میکننـد.

امــارت اســلامی در مبارزه بــا تغییـــرات اقلیمـــی بــا همــه شــرکا متعهــد اســت



نویسنده: عبدالله هروی

تغییـرات اقلیمـی از جملـه مهمتریـن تحـولات جهانـی در یـک دهـه اخیـر در جهـان بـوده کـه طـی سـال‌های اخیـر، نگرانی‌هـا، ضررهـا و بحث‌هـای آن بـالا گرفتـه اسـت.

یکـی از کشـورهای کـه در بوجـود آمـدن تغییرات اقلیمـی نقـش نداشـته اما از آن سـخت متاثـر شـده، افغانسـتان می‌باشـد. تغییـرات در آب‌وهـوای فصل‌هـای سـال، خشک‌سـالي، کمبـود بـارش بـرف و بـاران و مـواردی از ایـن قبیـل، مـردم افغانستان را در سـال‌های گذشـته بـا مشـکل مواجـه کـرده بـود.

مسـئولان امـارت اسـلامی افغانسـتان بارهـا بـه جامعـه جهانـی ایـن موضـوع را بیـان کردنـد و از نهادهـای جهانـی خواسـته انـد کـه بخاطـر مبـارزه بـا تغییـرات اقلیمـی، بـه افغانسـتان توجـه نماینـد.

از سـوی هـم، بـا آمـدن بهـار امسـال، مسـئولان امـور در افغانسـتان بـا کاشـت نهال‌هـا در مناطـق مختلـف افغانسـتان و همراهـی کـردن مـردم بـا مسـئولان بخاطـر افزایـش فضـای سـبز، مسـئولیت خـود را در حـد تـوان، انجـام داده انـد.

بـا آن هـم، حکومـت افغانسـتان بـه ایـن تلاش‌هـا اکتفـا نکـرده، بلکـی داکتـر زیـن العابدیـن عابـد، معیـن مسـلکی و پالیسـی اداره ملـی حفاظـت از محیـط زیسـت در پایـان نشسـت آسـیب‌ها و اثـرات نامطلـوب تغییـرات اقلیمـی در افغانسـتان روز چهارشـنبه ۵ ثـور ۱۴۰۳ ه ش (۱۵ شـوال المکـرم ۱۴۴۵ ه ق)، بـا بیـان اینکـه افغانسـتان آسـیب‌دیده تریـن کشـور از اثـرات منفـی تغییـرات آب و هوایـی اسـت، گفـت کـه امـارت اسـلامی در امـر مبـارزه بـا تغیـرات اقلیمـی بـا همـه شـرکا متعهـد اسـت.

افغانسـتان بـا امکانـات موجـودی خـود، بخاطـر مبـارزه بـا تغییـرات اقلیمـی کار خواهـد کـرد و متعهـد اسـت کـه بخاطـر حفاظـت از زمیـن مشـترک و حمایـت از سـلامتی بشـر و مخلوقـات خداونـد متعـال، بخاطـر رضـای او تعالـی، کار کنـد.

امـارت اسـلامی افغانسـتان بـا توجـه بـه ارزش‌های دیـن مبیـن اسـلام، خیرخـواه بشـر اسـت و تـلاش اش بخاطـر حمایـت از محیـط زیسـت و اقلیـم، منحصـر بـه افغانسـتان نـه بلکـی بخاطـر همـه مخلوقـات او تعالـی اسـت.

اصلاح مجرمان در پرتو تعامل جرمشناسی و اجراآت جزایی



نویسنده: پوهیالی بهزاد افضلی

چکیده

ضرورت اجرای مجازات جهت حفظ حیات جامعه امری خدشه ناپذیر است اما نباید فراموش کرد که مجازات نسبت به انسان اعمال می‌شود. همین امر ایجاب میکند اقداماتیکه بعنوان مجازات بکار گرفته می‌شود با رعایت شأن و مقام انسانی افراد، کارکرد اصلاحی و تربیتی نیز، دارا باشد. دستاندرکاران عدالت جزایی قادر هستند، با ارزیابی همه‌جانبه جرم، شخصیت طرفین و مصالح جامعه، و به منظور بازپروری شخصیت مجرم، اتخاذ تصمیم نمایند. بدین ترتیب نوع تصمیم اتخاذِ مجریان عدالت جزایی، تأثیر به سزایی در امر بازپروری / اصلاح خواهد داشت. بنابراین سوال اصلی اینستکه میان شخصیت افراد و اقدامات جزایی معمول نسبت به آنها، تناسبی وجود دارد؟ که با روش توصیفی بدان پاسخ خواهد داد که ضمانت اجراهای جزایی اگر بدون توجه به شخصیت افراد تعیین شود میتواند تأثیرهای منفی بیشماری در روند اصلاح بجا گذارد. بدین منظور بهتر است تمامی اقدامات جزایی در تمامی مراحل رسیدگی متناسب با شخصیت افراد به اجرا درآید. اهداف پژوهش حاضر، تبیین جایگاه دوسیه شخصیت مجرمان باتوجه به پذیرش اصل شخصی ساختن مجازات و توجه به شخصیت مجرمان، خصوصاً در باب مجازات تعزیری و بازدارنده میباشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بازپروری مجرمان از مهمترین اهداف نظام‌های عدالت جزایی بوده و می‌باشد.

واژگان کلیدی: بازپروری، اصلاح، مجرمین، شخصیت، جرم شناسی.

مقدمه

توجه به شخصیت مجرم اهمیت فراوانی دارد و تحقق عدالت جزایی بدون درک و شناخت شخصیت مجرم مشکل است و بدون این شناخت در وصول به اهداف خود دچار مشکل خواهد بود. باید توجه داشت که شناخت شخصیت مجرم از دیرباز مورد توجه بشر بوده است. توجه به شخصیت مجرم نباید منحصر به اِعمال مجازات باشد، بلکه باید در وضع و تدوین قوانین نیز کرامت انسانی و شخصیت افراد مورد توجه باشد. در حقوق اسلام نیز توجه به شخصیت مجرم مدنظر بوده است. آنجا که میگوید: اگر مجرم از گناه خود توبه نموده و راه صواب را پیشگیرد در مواردی، معاف از مجازات خواهد بود. بدون توجه به شخصیت مجرم وصول به عدالت و اصلاح آن دور از دسترس خواهد بود؛ برای نیل به این هدف وجود دوسیه شخصیت در فرآیند رسیدگی جزایی بسیار حائز اهمیت است. منظور از دوسیه شخصیت آنستکه در محاکم جزایی علاوه بر دوسیه جزایی که نشان‌دهنده عمل مجرمانه و دلیل ارتکاب جرم و مواد استنادی قانون است؛ باید دوسیه دیگری به نام «دوسیه شخصیت» تشکیل شود و قاضی رسیدگی کننده با مراجعه به هر دو دوسیه تصمیم لازم را اتخاذ نماید. قوانین و اجرای آن بگونه‌ای باشد که شرایط بازگشت مجرم و محکوم را به جامعه فراهم نماید و تنها مجازات محکوم نباشد، بلکه پیگیری اهداف اصلاحی مجازات باید مهمتر از نقش اجرای مجازات باشد. نیل به این هدف، جزء باتوجه به شخصیت مرتکب، مجازات و اجرای آن در جهت بازپروری مجرمان محقق نمی‌شود (غلامی، ۱۳۹۷: ۳۶). اگر روند رسیدگی‌های جزایی از همان ابتدا باتوجه به شخصیت واقعی متهمین صورت بگیرد و نه صرف جرم ارتکابی بسیاری از دوسیه‌ها، قابلیت مختومه شدن در همان مراحل ابتدایی رسیدگی را پیدا خواهند کرد. لزوم توجه به شخصیت افراد از مراحل ابتدایی رسیدگی تا آخرین مرحله که پس از اجرای مجازات باشد حائز اهمیت فراوان است و در هر مرحله مربوط به نوع جرم، شرایط و اوضاع و احوال دوسیه، شاکی/مدعی ـ زیاندیده/متضرر تعیین کننده واکنش مقامات قضایی خواهد بود. به این نکته توجه داشت که اصلاح تنها از طریق اِعمال مجازات سلب آزادی امکان پذیر نیست، نهادهای جزایی (مانند ترک تعقیب) در برخی موارد نهادهای کاهش میزان مجازات (مانند تخفیف و تبدیل مجازات) و در برخی موارد نهادهای جایگزین مجازات سلب آزادی، (مانند خدمات عام‌المنفعه)، در امر اصلاح و بازپروری از تأثیر بسزایی برخوردارند و در بکارگیری هرچه بیشتر آن بکوشند (گلدوست جویباری، ۱۳۸۸: ۶۹). موضوع بازپروری مجرمان از بحث‌های است که باید به اهمیت آن توجه ویژه شود. از اینرو در این تحقیق به بررسی اهمیت اصلاح و بازپروری می‌پردازیم. در این میان تعامل جرمشناسی

و اجــراآت جزایــی بــرای دســتیابی بــه هــدف اصــلاح و درمــان کمــک زیــادی می کنــد. از آنجاکــه بــرای شــروع هــر تحقیقــی نیــاز اســت بــه بررســی چهارچــوب مفهومــی موضــوع اشــاره داشــت؛ لازمســت در اینقســمت بــه بررســی مختصــری از مفاهیــم کلیــدی و مبانــی نظــری پرداختــه شــود.

بیان مفاهیم

بــرای ورود بــه بحث بازپــروری مجرمــان و تبییــن ضــرورت تعامــل جرمشناســی و اجــراآت جزایــی، نیازمنــد آنیــم کــه بــه توضیــح و تبییــن مفاهیــم کلیــدی موضــوع بپردازیــم.

بازپروری

در ارتبــاط بــا نهــاد اصــلاح و تربیــت؛ بازپــروری بــه معنــای بازگشــت بــه وضعیــت پیشــین و عــدم رفتــار مجرمانــه میباشــد. در اصطــلاح حقــوق بــه معنــی دگرگونــی، بازســازی و بازپــروری اســت و عــلاوه بــر معنــی اعــاده حیثیــت کــه در حقــوق جــزای عمومــی بــکار میــرود بــه معنــی بازگرداندن فــرد بــه حــال گذشــته و بازســازی اوســت. بازپــروری دربردارنــده ایــن معناســت کــه مجــرم پیــش از ارتــکاب جــرم از توانایی‌هــای لازم بــرای شــهروندی و موثــر بــودن برخــوردار بــوده، ولــی به دلائلــی کــه قابــل تشــخیص و کشــف اســت بــه ســمت مجرمیــت کشــیده شــده اســت؛ بــه همیــن دلیــل قبــل از هرچیــز بایــد او دوبــاره آمــوزش ببیند و بــه ســوی ارزشــهایی کــه بــرای یــک زندگــی ســالم و بــرای یــک شــهروند ضــروری اســت ســوق داده شــود. بازپــروری در معنــای وســیعتر اینســت کــه: مجــرم بتوانــد بــه وضعیــت اجتماعــی مناســب و بهتــر بازگردانیــده شــود. بازپــروری در عیــن اینکــه بــه عنــوان هدفــی از اهــداف ضمانــت اجراهــای جــزای شــمرده شــده اســت، بیشــتر ناظر بــه آموزشــهای علمــی و حرفــه‌ای بــه زندانیــان اســت کــه آنهــا را بــه ســمت رفتارهــای اجتماعــی مناســب و بهتــر ســوق میدهــد) غلامــی، ۱۳۹۷: ۶۰(. اصــلاح، بــه معنــای بهبــود وضعیــت فــرد اســت، امــا ایــن بهبــود بــه معنــای صــرف تغییــر رفتــار اجتماعــی فــرد نیســت. «اصــلاح متضمــن تغییــر در روحیــات، تشــخیص بــد بــودن عمــل انجــام شــده و تصمیمــی صادقانــه بــرای زندگــی در آینــده اســت. بنابرایــن اصــلاح متضمــن تغییــر در نگــرش اخلاقــی مجــرم اســت». اصــلاح متضمــن فراهــم بــودن امکانــات و منابــع فراوانــی اســت. هــدف اصلــی از مجــازات بهترســازی و اصــلاح اجتماعــی مجــرم اســت، به‌گونه‌ای‌کــه مجــددا در خطــا ســقوط نکنــد. مــراد مــا نیــز در این تحقیــق از ایــن دو واژه و در کنــار هــم آوردنشــان همیــن معنــی اســت و نــه اصــلاح بــه معنــای بهبود اخلاقــی مجــرم و مبتنــی بــر ایــن اندیشــه اســت کــه رفتارهــای فــرد محصــول گذشــته فــرد اســت کــه قابــل علت‌شناســی بــوده و اطــلاع از آنهــا امــکان کنتــرل علمــی رفتــار را ممکــن میســازد. درمــان، مفهــوم درمــان بــه معنــی شــناخت کلیــه اســتعدادها و شایســتگی‌های مجرمــان اســت تــا بتــوان بــا ایــن آ گاهــی بــه درمــان آنــان پرداخــت و در پیشــگیری از جــرم نیــز در معنــای خــاص کلمــه موفقیــت پیــدا کــرد. البتــه نبایــد از درمــان

صرفاً معالجات طبی- روانی را استنباط کرد، بلکه کلیه مسائل فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مجرم را در بر میگیرد(ایزانلو، ۱۳۹۵: ۶۷).

اجراآت جزایی

اجراآت جزایی یکی از شعب علوم جناییست و با حقوق جزا ارتباط تنگاتنگ داشته و در واقع زمینه‌ساز تطبیق قانون جزا میباشد. با این وصف؛ مجموعه مقررات و قواعدی است که برای چهار مرحله محاکماتی (۱- مرحله کشف و تحقیق جرائم، ۲- مرحله تعقیب متهم، ۳- مرحله محاکمه، ۴- مرحله اجرای احکام جزایی.) وضع می‌شود(گلدوست جویباری، ۱۳۸۸: ۶). یا مجموعه اصول و مقرراتیکه برای کشف جرم، تعقیب متهم و تحقیق از او، تعیین صلاحیت و روش کار مراجع تحقیق و حکم و همچنین تجدیدنظر از تصمیمات آنها و سرانجام چگونگی اجرای احکام جزای وضع شده می‌باشد. از جمله اهداف که اجراآت جزایی آن را دنبال می‌کند؛ یکی، اعاده نظم لطمه دیده از جرم، از طریق سازماندهی نهادهای عدالت جزایی و دیگری، حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد از طریق تنظیم عکس العمل جامعه در برابر مجرمین میباشد که این دو مورد به یک اندازه اهمیت دارند؛ نه باید به نام تأمین امنیت و نظم عمومی حقوق دفاعی متهم را نادیده گرفت و نه باید به‌عنوان حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی از حفظ نظم عمومی غفلت ورزید)آخوندی، :۱۳۹۵ ۱۲۵).

جرمشناسی/کریمنولوژی

رشته‌ای است از علوم جنایی که درباره عوامل جرمزا و کیفیات و امور مقتضیات و شرایط فردی و محیطیِ جامعه مؤثر در بروز رفتار جنایی یا علل وقوع جرم با روش عینی و علمی به بررسی و تحقیق مداوم میپردازد تا با کمک گرفتن از تمام تخصصهای علمی به طرق پیشگیری مستقیم یاغیرمستقیم از جرائم و روشهای درمان و اصلاح و تربیت مجرمان یا کسانیکه در اثر عوامل جرمزای فردی و محیط اجتماعی بدی را برگزیده اند و سازگار ساختن آنان با جامعه و نظام اجتماعی دستیابد (دانش، ۱۳۹۱: ۹۱).

مبانی تعامل جرمشناسی و اجراآت جزایی در بازپروری و اصلاح مجرمان

در اینجا مراد از مبانی، آن دسته از واقعیتهاست که توجیه کننده و به نوعی دلیلی بر ضرورت اتخاذ رویکرد اصلاح و درمان و تربیت مجرمان به حساب می‌آیند. در این گفتار برآنیم تا به اهمیت اصلاح و درمان مجرمان، مبانی و اهداف اصلاح و تربیت و لزوم تعامل جرمشناسی و اجراآت جزایی در بازپروری مجرمان اشاره نمائیم.

لزوم اصلاح و درمان مجرمان

ماهیت سیاست جنایی نوعی سازماندهی به زندگی اجتماعی است. این سازماندهی در

حقیقـت تعییـن و تحدیـد رفتارهـای شـهروندان توسـط یـا زیرنظـر دولـت بـا همـکاری نهـاد اجتماعـی اسـت کـه براسـاس ارزشـها و مقتضیـات اجتماعـی شـکل میگیـرد و بـه مرحلـه اجـرا در میآیـد. دولتهـا بـا اتخـاذ تدابیـر مناسـب، آندسـته از رفتارهایـی را کـه منجـر بـه رفتـار مجرمانـه می‌شـود، پایـان بخشـیده یـا کاهـش میدهنـد؛ ایـن وظیفـه اصطلاحاً بـه نـام اصـلاح و تربیـت یـاد می‌شـود. موفقیـت اصـلاح و تربیـت بـه اینسـتکه آیـا محکـوم چیـزی را فـرا میگیـرد یـا خیـر و یـا در طـی محکومیـت بازپـروری می‌شـود یـا نـه؟ بطورکلـی نظامهـای عدالـت جزایـی بـه منظـور بازپـروری مجرمـان، حمایـت از جامعـه و ارتقـاء کیفیـت و سـطح عدالـت بنـا نهـاده شـدهاند.

لزوم اعمال کارکرد تعامل جرمشناسی و اجراآت جزایی

مبـارزه علیـه مجرمیـت بطـور مؤثـر ممکـن نیسـت، مگـر آنکـه علیـه عواملیکـه آنـرا بـه وجـود آورده اسـت مبـارزه بـه عمـل آیـد. جرمشناسـی بـا شـناختهای ضـروری آن دربـاره ایـن عوامـل و رفتـار جنایـی وسـائل و راهـبردهای خـاصِ پیشـگیری و ممانعـت از تکـرار جـرم را فراهـم میسـازد. نقـش و سـهم حقـوق و نهادهـای جزایـی در وضـع قوانیـن جزایـی، رفتارهـا و نحـوه اعمـال آنهـا و در نهایـت احـراز مجرمیـت و صـدور حکـم جزایـی در چهارچـوب مقـررات اجـراآت جزایی تاکنـون در مطالعات جرمشناسـی جایگاهـی نداشـته اسـت. امـا باتوجـه بـه نقـش پـر اهمیـت دسـتگاههای عدالـت جزایـی جـا دارد کـه مـورد بررسـی جرمشناسـان قـرار گیـرد. در پرتـو تعامـل نهادهـای اجـراآت جزایـی و جرمشناسـی می‌تـوان انتظـار داشـتکه بـه بسـیاری از اهـداف در زمینـه سیاسـت‌های اصـلاح و بازپـروری دسـت یافـت. ایـن امـر محقـق می‌شـود در صورتیکـه دسـتگاه عدالـت جزایـی بطـور کامـل و جامـع بـه مـوارد پیشـبینی شـده جامـه عمـل بپوشـاند و شـرایط، قوانیـن و وسـائل مـورد نیـاز را بـرای اجـرای سیاسـت اصلاحـی در پرتـو تعامـل بـا جـرم شناسـی فراهـم نماینـد (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۹۴). در «مرحلـه کشـف جـرم و تحقیقـات مقدماتـی» شـیوه و محـل دسـتگیری و توقیـف، بویـژه بـرای مجـرم بیسـابقه، میتوانـد از نظـر روانـی سرنوشت‌سـاز باشـد و بسـته بـه نـوع رفتـار در ایـن مرحلـه تصویـر متفاوتـی را از پولیـس در ذهـن او بیآفرینـد. ایـن رفتـار میتوانـد فـرد را نسـبت بـه عمـل ارتکابـی خـود بیـدار کنـد و یـا برعکـس او را در آغـاز فرآینـد جزایـی بـه سـمت کسـب هویـت مجرمانـه سـوق دهـد. مرحلـه «بازجویی»جنبـه فنـی داشـته و بنابریـن نیـاز بـه آشـنایی بازجویـان بـه مهارت‌هـای حقـوق، روانشناسـی و جرمشناسـی دارد. مرحلـه «بازداشـت» در صورتیکـه منجـر بـه سـلب آزادی متهـم شـود، بازداشـت موجـب دوری شـخص از زندگـی و فعالیـت عـادی وی می‌شـود. برچسـب مجرمانـه، بهویـژه در مـورد افـراد بی‌سـابقه آثـار غیرقابـل پیشـبینی بـرای افـراد در جامعـه دارد و بـه هـر حـال نقطـه عطفـی در حیـات اجتماعـی آنـان محسـوب می‌شـود. از اینروسـت

که باید تا جایی که امکان دارد سعی شود از صدور حکم بازداشت جلوگیری به عمل آید، اصل برائت همواره به‌عنوان مهمترین اصل مدنظر باشد، رفتارهای سلیقه‌ای، تحقیر، بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت و لطمه به کرامت انسانی بی‌تردید آثار خود را در مرحله محاکمه و در جامعه نشان خواهد داد. بنابرین لازم است این واقعیت جرم‌شناختی در نوع رفتار با مجرم مورد توجه قرار گیرد. مرحله «محاکمه» نیز از نظر جرمشناسی بسیار حائز اهمیت است. کسب اطلاعات درباره اطلاعات واقعی و اوضاع و احوال ارتکاب جرم، عناصر لازم را برای احراز و تحلیل جرم و نیز برآورد و تشخیص فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه و موقعیتی که جرم در آن ارتکاب یافته است فراهم می‌کند. تعیین میزان مسئولیت جزایی نیز به ارزیابی شخصیت مرتکب در مقطع رسیدگی ماهوی بستگی دارد. انتخاب نوع و میزان پاسخ جزایی نیز علاوه بر ملاحظات حقوقی مربوط به اتهام، تابعی از روانشناسی قضائی، نوع حضور و دفاع متهم و وکیل او، تجربه و سابقه متهم در محیط جزایی. مجرم در این مرحله یعنی مرحله پایانی فرآیند رسیدگی جزایی، از نظر شخصیت، رفتار و منش تا اندازه‌ای محصول تعاملاتی است که در مراحل قبلی با نهادهای اجراآت جزایی و سایر مجرمان داشته است(بولک، ۱۳۹۵: ۳۳).

مرحله «اجرای حکم» و رایجترین پاسخ به جرم که همان مجازات سلب آزادی و زندان است. اهمیت جرمشناختی- حقوقی چگونگی اِعمال این مجازاتها موجب قضایی شدن مرحله اجرای مجازات‌ها شده است. به همین جهت است که امروزه وظیفه عدالت جزایی با اجرای مجازات پایان نمی‌یابد و مرحله پس اجزای، مرحله‌ای است که نیازمند مراقبت و نظارت دستگاه قضایی و جامعه مدنی نسبت به مجرم سابق به منظور کاهش آثار اجتماعی محکومیت جزای ـ بویژه زندان ـ است. رابطه جرمشناسی و اجراآت جزایی در نگاه نخست به لحاظ متفاوت بودن موضوع، هدف و قلمرو این دو رشته «تجربی» و «حقوقیِ»علوم جنایی دشوار مینمایـد. ولی امروزه اجراآت جزایی نیز مانند جرمشناسی بر پدیده انسانی اجتماعی جرم و آثار نهادها، شیوه و کیفیت رفتار و گفتار کنشگران اجراآت جزایی بر متهم تکیه می کند و رعایت احترام به کرامت ذاتی انسان را از یکسو، در قالب مقررات اجراآت جزایی و از سوی دیگر در چهارچوب «سلوک اخلاقی جرمشناسی»بعنوان یک اصل حقوقی و جرمشناختی پاس میدارد. حقوق جزایی در معنای عام خود علاوه بر رعایت حقوق متهمان باید منافع جامعه را نیز مدنظر داشته باشد و نمی‌توان تماماً به الگوهای جرم‌شناسانه جامه عمل پوشانید. با این حال تعامل میان این دو رشته شاهد آثار و نتایج مثبتی در زمینه حقوق جزایی خواهیم بود و با بکارگیری نظریات جرم‌شناسانه تا جایی که امکان دارد و تغییر در اندیشه، عملکرد و رفتار قضات، مجریان احکام و اصلاح محیط های جزای و ... بطورکلی میتوان شاهد فرآیند جزایی

سـالم و بـه دور از جزمزایی باشیم و تنها در این شـرایط است کـه میتوان از چنین فرآینـدی انتظار کارکردهـای اصلاحـی داشـت (پیـکا، ۱۳۹۹: ۶۷).

نتیجه‌گیری

در پرتـو تعامـل نهادهـای اجـراآت جزایـی و جرمشناسـی میتـوان انتظـار آنـرا داشـت کـه امـکان دسـتیابی بـه بسـیاری از اهـداف در زمینـه سیاسـت‌های اصـلاح و بازپـروری وجـود داشـته و ایـن امـر محقـق می‌شـود در صورتـی کـه دسـتگاه عدالـت جزایـی بطـور کامـل و جامـع بـه مـوارد پیشـبینی شـده جامـه عمـل بپوشـاند و شـرایط، قوانیـن و وسـائل مـورد نیـاز را بـرای اجـرای سیاسـت اصلاحـی در پرتـو تعامـل بـا جرمشناسـی فراهـم نمایـد. جرمشناسـی اصـلاح و درمـان، اساسـاً بازپـروری و بازاجتماعی کـردن مجرمـان را اولیـن و مهمتریـن هـدف و وظیفـه نظـام عدالـت جـزای می‌دانـد. بایـد توجـه داشـت کـه ضمـن رعایـت رویکـرد مصلحت سـنجانه امـکان ارزیابی هم‌هجانبـه نسـبت بـه کلیـه ابعـاد مربـوط بـه فرآینـد ارتـکاب جـرم، مراحـل مختلـف رسیدگی جزایـی، وضعیـت نقـش آفرینـان دعـوای جزایـی و چگونگـی پاسـخ‌دهی بـه مجرمیـت، واقعی‌تریـن و متناسـب‌ترین شـیوه برگزیـده شـود. پیشـگیری از جـرم و اصـلاح و تربیـت مجرمـان مـورد توجـه تدویـن کننـدگان قانـون باشـد. بازپـروری مجرمان از مهمتریـن اهـداف نظامهـای عدالت‌جـزای اسـت. نظـام عدالت‌جـزای بـرای دسـتیابی بـه هـدف بازپـروری مجرمـان، عمدتـاً بـه شـیوه‌های سـنتی بویـژه زنـدان تکیـه می‌کنـد؛ در حالیکـه بـا بکارگیـری روش‌هـای علمـی، نظـام عدالت‌جـزای ایـن فرصـت را می‌یابـد تـا بـا بهـره جسـتن از ظرفیت‌هـای متنـوع متناسـبترین پاسـخ را برگزینـد. در بسـتر جرمشناسـی، رویکردهـای متعـددی برای پاسـخ‌دهی بـه پدیـده مجرمانـه وجـود دارد.

فهرست منابع

آخونـدی، محمـود (۱۳۹۵)، آئین دادرسـی جزای، ج۱ چ۳ تهـران: انتشـارات جهاد دانشـگاهی.

اردبیلـی، محمدعلـی (۱۳۹۶)، حقـوق جـزای عمومـی، ج۲ تهـران: انتشـارات میـزان.

ایزانلـو، محسـن (۱۳۹۵)، برابـری در مقابـل قانـون، حکومـت قانـون و جامعـه مدنـی، تهـران: انتشـارات دانشـگاه تهـران

بولـک، برنـار (۱۳۹۵)، کیفرشناسـی، ترجمـه: علـی حسـین نجفـی ابرنـد آبـادی، چ۵ تهـران: انتشـارات مجـد.

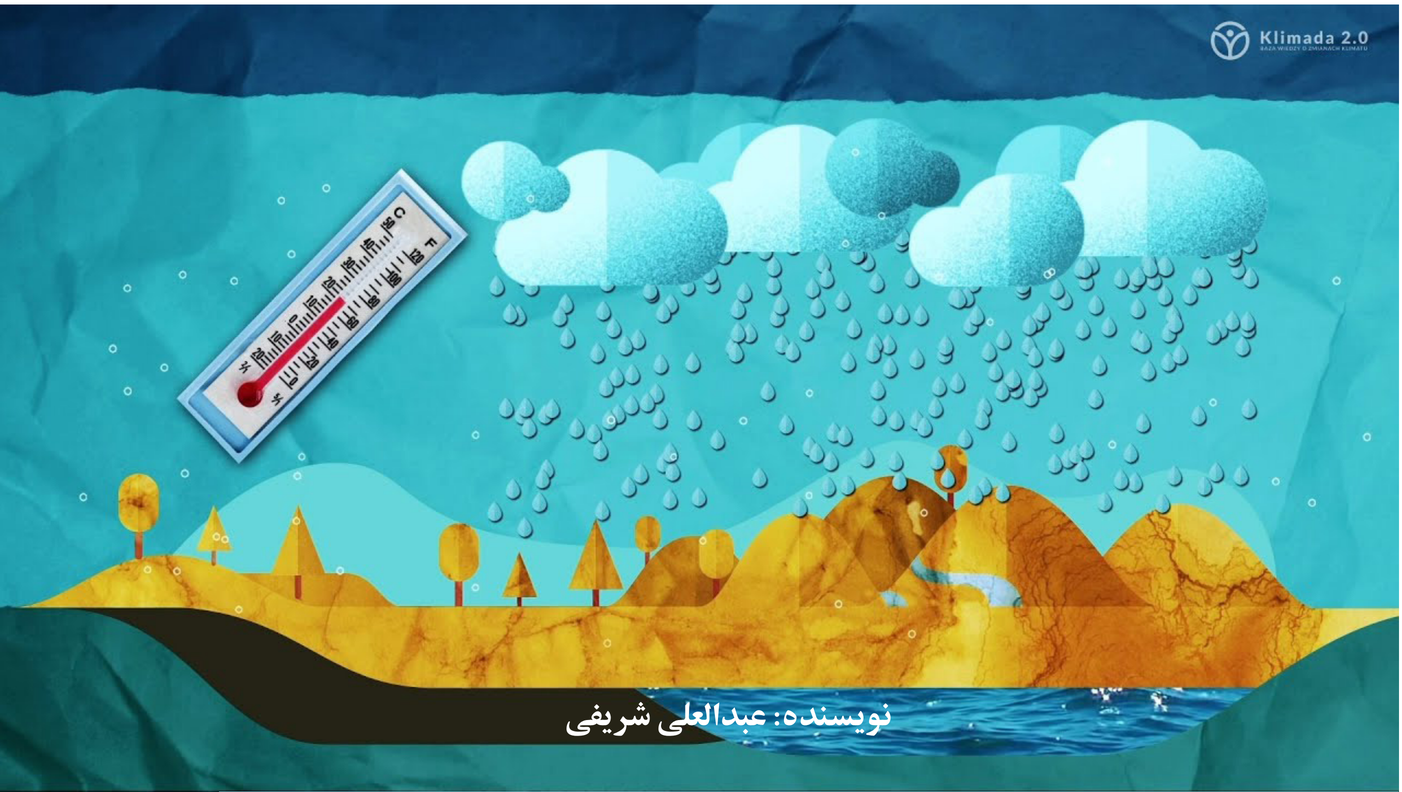
پیـکا، جـرج (۱۳۹۹)، جرمشناسـی، ترجمـه: علی حسـین نجفـی ابرندآبـادی، تهـران: انتشـارات میـزان.

دانـش، تـاج زمـان (۱۳۹۱)، مجـرم کیسـت، جـرم شناسـی چیسـت؟، چ۹ تهـران: انتشـارات کیهـان.

غلامـی، حسـین (۱۳۹۷)، تکـرار جـرم، چ۲ تهران: انتشـارات میزان.

گلدوسـت جویبـاری، رجـب (۱۳۸۸)، کلیـات آئیـن دادرسـی جـزای، چ۷ تهـران: انتشـارات جنـگل.

رسولی، محمد اشـرف، (۱۳۹۴)، شرح و توضیح قانون اجراآت جزایی، چ۱، کابل: انتشـارات وزارت عدلیه.



نویسنده: عبدالعلی شریفی

تغیرات اقلیمی و ضررهای وارده به افغانستان

افزایش سال بسال گرمای زمین که در نتیجه تولید گازهای گلخانه‌ای کشورهای صنعتی بوجود آمده است، مسبب ضررهای زیادی به کشورها بالخصوص به افغانستان شده است.

خشک‌سالی‌های سالیان متمادی و کمبود باران و کاهش آب و بعضاً هم باران شدید سیل آسا، مخرب و بی موقع به راه افتادن سیلاب ها و یا حدوث سرمای شدید که نهایتاً صدمه بزرگی به زراعت و تخریب مزارع میزند و باعث کاهش محصولات زراعتی و فقر غذایی میگردد، از همین تغییرات اقلیمی به وجود می آید.

یک زمانی که هنوز فابریکات تولید یخ ایجاد نشده بود، در ماه های گرم تابستان، مردم در هرات برف ها را از کوه دیواندر به شهر انتقال داده، در یخدان های بزرگی که غرض ذخیره یخ احداث شده بود، جابجا و از آن در تولید شیریخ (بستنی) و فالوده استفاده مینمودند که تا هنوز بقایا و نام یخدان ها مثلا یخدان باباخان در خاطره بزرگسالان هست.

الحمدلله امسال نسبتاً برف و باران خوبی در اکثر ولایات و ارتفاعات مناطق مرکزی و شمال شرقی کشور باریده که میتوان گفت مایه امیدواری است ولی مشکل عمده

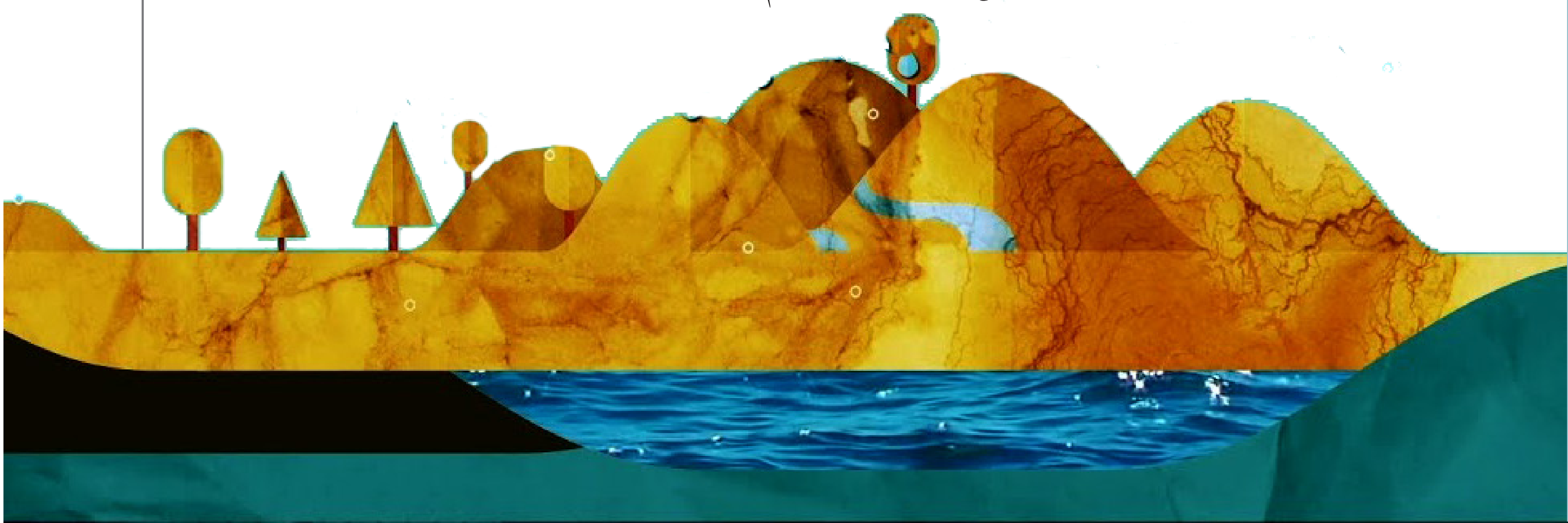
اینجاست که از حدود ۱۵ سال قبل که گرم شدن زمین هر سال بیشتر از سال قبل آن شروع شده است، بزرگترین ضربه همانا پدیده آب شدن زودهنگام برفها و یخچال های کوه ها در ماه های حمل و ثور و براه افتادن سیلاب هاست که باعث ایجاد خسارات جانی و مالی میگردد.

این پدیده، صدمات و ضررهای زیادی به کشت و کار زمین ها و محصولات زراعتی میزند و جریان آب اکثر این سیلاب ها هم از کشور ما خارج میگردند و مقدار کمی هم که در ریگزارهای مناطق صحرایی فرومیروند، غیرقابل استفاده اند و عموما در ماه های بعدی آبی در رودخانه ها و نهرها غرض آبیاری موجود نبوده، زمین های زراعتی خشک و کشت نمیگردد.

در واقعیت امر، یگانه منابع آبی در زندگی روزمره و زراعت هم آبهای تحت الارضی باقی میمانند که با استفاده بی‌رویه همواره رو بکاهش است.

قسمی که در مقاله قبلی تغیرات اقلیمی و راهکارهای غلبه برکاهش آب منتشره یوم پنجشنبه ۳ حوت۱۴۰۲ این روزنامه تحریرگردید، یگانه راه کار و راه غلبه برکاهش آب در کشور ما هم همانا مدیریت همه جانبه آبها و ایجاد واترشید هاست و بس.

بنآ مقامات محترم و بزرگان کشور ما مسئولیت دارند که همواره این موضوع را بخاطر داشته، ضمن اشتراک در نشست ها و مجالس مشخصی که در رابطه با تغییرات اقلیمی و کاهش تولید گازهای گلخانه ای توسط سازمان های جهانی و ملل متحد در سطح جهان دایر میگردد، با صراحت کامل و ارایه براهین موضوع، خسارات و زیان های وارده ناشی از تغییرات اقلیمی به افغانستان و محیط زیست و پیامدهای آن را با هیئت ها و نمایندگان کشورهای بزرگ صنعتی و ثروتمند یادآورشده، خواهان کمک و همکاری به هر نحوی که ممکن و مقدور آن کشورهاست، گردند. تا باشد که اندکی جبران زیان های وارده شده باشد. زیرا این دیگر منصفانه نخواهد بود که تامین منفعت و رفاه دیگران، مسبب ضرر و زیان برای ملت و مردم ما گردد.





غزه برای همه درس شکیبایی آموخت!

نویسنده: طلحه مبارز بدخشانی

غـم، درد، رنـج، مشـکلات و جنایاتـی کـه امـروز در حـق مـردم غـزه می‌شـود، چنـان جانسـوز و اسـتخوان سـوز می‌باشـد، کـه قلـم از نوشـتن آن در چنـد کتـاب و دفتـر عاجـز می‌باشـد، مـا نمی‌توانیـم بـا نوشـتن مقـالات، نشـر اعلامیـه هـا و تقبیـح کـردن آن حـق مـردم غـزه را ادا نمائیـم، آنهـا واقعـا امـروز در برابـر یـک لشـکر تـا دنـدان مسـلح مجـرم کـه نـه زبـان بشـریت را می‌فهمنـد و نـه هـم بـه کـدام قوانیـن بیـن المللـی پـای هسـتند، رو بـرو می‌باشـند، در اینجـا همـه شـعار هـای ملحدیـن، یهـود و نصـاری کـه انسـانیتم آرزوسـت، انسـانیت هنوزهـم زنـده اسـت، دفـن در خـاک اسـت، فقـط زبـان آنهـا بمبـارد جنایـات، قتـل و کشـتار اطفـال، زنـان پیـر و برنـای غـزه اسـت.

اهـل غـزه و ملـت مسـلمان آن بـرای مـا و دیگـران درس صبـر، شـکیبایی، شـجاعت و شـهامت آموختنـد، آنهـا بـا لبـان خشـک و پاهـای برهنـه لکـن بـا عـزم راسـخ و ایمـان قـوی هنـوز هـم در مقابـل جنایـات صهیونیسـت هـا ایسـتاده انـد، عقیـده، ایمـان، سـرزمین و ارزش هـای اسـلامی خویـش را تـرک نکردنـد، اگـر چنـد بـم هـای بی‌شـمار خون‌خـواران تاریـخ و دشـمنان بشـریت بـالای آنهـا ریختـه می‌شـود، هنـوز هـم نـور ایمـان در قلـب آنهـا می‌درخشـد.

از چنـد روز بـه ایـن طـرف نیروهـای اشـغالگر در شـفاخانه الشـفا جنایـات را مرتکـب گردیدنـد کـه در تاریـخ بشـریت آن کـم سـابقه اسـت، آنهـا حتـی بـالای زخمـی هـا و مریضـان کـه جهـت درمـان بـه آنجـا رفتـه بودنـد رحمـی نکردنـد، صهیونیسـت هـا همـان جـلادان تاریـخ بشـریت هسـتند کـه مریضـان را از بسـتر و تخـت شـفاخانه بیـرون کـرده شـهید نمودنـد، تعـدی و تجـاوز آنهـا چنانکـه قبـلا تذکـر دادم قلـم از نوشـتن

آن عاجـز اسـت، مـا نمی‌توانیـم جنایاتـی کـه در حـق مـردم غـزه انجـام می‌گیـرد قلـم داد کنیـم، امـروز تمـام جهـان در مقابـل نسـل کشـی در غـزه خامـوش اسـت، صداهـای حقـوق بشـر خواهـی خامـوش اسـت، قصابـان صهیونیسـت هـر آنچزیکـه می‌خواهنـد بـدون کـدام ممانعـت انجـام می‌دهنـد.

در آخـر بایـد بنویسـم کـه غـزه مظهـر شـجاعت، قهرمانـی و مردانـش حماسه‌سـاز انـد کـه بینـی صهیونیسـت هـا را بـه خـاک مالیدنـد، زور، قـوت و بـازوی آنهـا را شکسـتند، تانـک هایشـان را آتـش زدنـد عسـاکر پلیـد و مجـرم آنهـا را بـه سـزای اعمـال شـان رسـاندند، مـا نظـاره گریـم و آنهـا را سـران جهـان اسـلام نیـز تنهـا گذاشـتند، آنهـا بـا نصـرت الهـی ان شـاءالله پیـروز خواهنـد شـد.

شـهادت ۱۰ هـزار زن در غـزه؛ پـس حقـوق زن کجاسـت؟

اخیـرا سـازمان ملـل گزارشـی از وضعیـت نابه‌هنجـار زنـان در غـزه نشـر کـرد کـه در آن گـزارش از شـهادت بیـش از ۱۰ هـزار زن خبـر داده شـده اسـت، گـزارش اخیـر ایـن سـازمان بـرای آنهـا نهایتـا شـرم‌آور اسـت، بخاطـر کـه آنهـا همیشـه دم از حقـوق بشـر، حقـوق زن، حقـوق کـودک و فـلان می‌زننـد، نیروهـای وحشـی و اشـغال‌گر صهیونیسـتی در غـزه از هیـچ نـوع جنایـات علیـه بشـریت کوتاهـی نکـرده و بـا هـدف قـرار دادن افـراد ملکـی اعـم از زنـان و کـودکان جنایـات جنگـی را متقبـل گردیـده اسـت، شـهادت بیـش از ده هـزار زن اگرچـه در نوشـتن شـاید آسـان باشـد لکـن در حقیقـت نهایتـا سـنگین و بـرای حـکام سـرزمین هـای اسـلامی مایـه ننـگ و عـار می‌باشـد.

اگـر در آن کشـور هایـی کـه دم از حقـوق زنـان می‌زننـد بـه تعـداد ده هـزار حیـوان ذبـح شـود، آنهـا هیـج وقـت خامـوش ننشسـته و عاملیـن آنـرا بـه کیفـر می‌رسـانند، امـا متأسـفانه ایـن تعـداد شـهدای کـه در غـزه صـرف از زنـان گرفتـه اسـت، در قبـال رفتـار آنهـا بـا رژیـم صهیونیسـتی هیـچ تغیـری رونمـا نشـده اسـت، اگـر چهـار زن در یـک کشـور اسـلامی تظاهـرات نمـوده و بـر علیـه داعیـه اسـلامی و راسـتین آن کشـور هـا بـه پاخیزنـد، و از طـرف آن کشـور هـا تنبیـه شـوند، متعاقبـا نهـاد هـا و سـازمان هـای حقـوق بشـری اعلامیـه هـا نشـر نمـوده خشـم و انزجـار شـان را در قبـال آنهـا اعـلام داشـته تعزیراتـی و فشـار هـای گوناگـون را بـالای همـان کشـور هـا اعمـال می‌کننـد، امـا تـا حـال آنهـا در قبـال کشـتار بـی رحمانـه رژیـم صهیونیسـتی در غـزه خامـوش بـوده و انـدک تریـن فشـار و یـا تعزیـرات را بـالای آن رژیـم جنایـت کار وحشـی وارد نکـرده انـد، از ایـن جـا بایـد ملت‌هـای مسـلمان جهـان بداننـد کـه ایـن نهـاد هـا و سـازمان‌ها صـرف بـرای مفـاد کشـور هـای غربـی و هـم فکـران آنهـا بنیـاد گذاشـته شـده اسـت، و بـرای مسـلمانان هیـچ دردی را مـداوا نمی‌کنـد.

پشتکار، نقش حیاتی برای رسیدن به موفقیت و هدف

نویسنده: نسرین علیزاده

مهم ترین چیزی که می تواند به ما در رسیدن به هدف هایمان کمک کند پشتکار است. مسیر زندگی پر است از سختی، پستی و بلندی و شکست. در این راه کسانی که فقط باهوش، زیرک و قوی هستند پیروز نمی شوند بدون داشتن امید همه مهارتها ضرب صفر می شود. در این راه سخت و دشوار زندگی تنها افرادی موفق می شوند، که بعد از هربار شکست و ناامیدی دوباره بلند شده و سخت تر از قبل کار کنند. هیچکس از همان اول نویسنده، ورزشکار، نقاش و یا تاجر، نبوده بلکه بعد از روزها تلاش به آن مهارت دست پیدا کرده است.

پشتکار یکی از ویژگی‌های مهم و ضروری برای رسیدن به هدف و موفقیت است. پشتکار به معنای تلاش مداوم، اراده قوی، پایبندی به برنامه و تحمل سختی‌ها و موانع در راه رسیدن به هدف است. در زندگی، برخورد با چالش‌ها و مشکلات اجتناب‌ناپذیر است و پشتکار از ما خواسته می‌شود تا با تلاش و اراده، این مشکلات را پشت سر بگذاریم و به هدفمان برسیم.

نقش پشتکار در رسیدن به هدف و موفقیت بسیار مهم است. بدون پشتکار، تمام طرح‌ها و اهداف بی‌نتیجه می‌ماند. پشتکار به ما کمک می‌کند تا در لحظات سخت و دشوار، از پا نیفتیم و ادامه دهیم. همچنین، پشتکار توانایی ما را در تحمل فشار و استقامت در برابر مشکلات و تنش‌های زندگی افزایش می‌دهد.

پشتکار می‌تواند عوامل ویژه‌ای را برای رسیدن به موفقیت ایجاد کند. زمانی که ما به هدف خود پشتکار داشته باشیم، میزان تمرکز و توجه ما برای رسیدن به آن هدف افزایش می‌یابد و از انحراف در مسیر رسیدن به آن جلوگیری می‌نماییم. همچنین، پشتکار به ما انگیزه و اعتماد به نفس می‌دهد و باعث می‌شود به خودمان بیشتر اعتماد کنیم و به دیگران نشان دهیم که قادر به رسیدن به هدفمان هستیم.

بنابراین، پشتکار نقش بسیار مهمی در رسیدن به هدف و موفقیت دارد. بدون پشتکار، توانایی ما در تحمل مشکلات و تنش‌ها کاهش می‌یابد و امکان رسیدن به هدف مورد نظر را نیز از دست می‌دهیم. بنابراین، جهت رسیدن به هدف و موفقیت، پشتکار را در زندگی خود تقویت کنید و در تمام فعالیت‌هایتان مداومت و اراده قوی نشان دهید.

همچنین، همواره به خودتان انگیزه بدهید و در لحظات سخت و دشوار، توانایی خود را به چالش بکشید و از پا افتادن نپرهیزید. با تمرکز

و توجه به هدف، از انحراف کمتری در مسیر رسیدن به آن بپرهیزید. همچنین، از شکست‌ها درس بگیرید و با تلاش بیشتر به موفقیت برسید. با پشتکار و تحمل سختی‌ها، می‌توانید به هدف و موفقیت خود دست یابید.

وقتی کسی توانسته که نویسنده، ورزشکار، نقاش و یا تاجر شود، تلاش بسیار کرده و پشتکار خوبی داشته است در حالی که ما فقط شاهد موفقیت آنها هستیم نه روزهایی که تلاش می کنند و شکست می خورند. وقتی کسی می خواهد درختی را قطع کند بر فرض صد بار به آن ضربه وارد می‌نماید و در نهایت با ضربه صدم درخت به زمین می افتد و قطع می شود اما آیا همه کار را ضربه صدم انجام داده و ضربه های قبلی بی اثر بوده اند، هرگز این طور نیست همه ضربه های قبلی راه را برای قطع کردن درخت، هموار کردند و اگر آنها نبودند ضربه صدم به تنهایی نمی توانست کاری کند.

اما اگر آن فرد در ضربه پنجاه و یا هفتادم نا امید می شد و کارش را نیمه تمام رها می کرد، هیچگاه موفق نمی شد، درخت را قطع کند. همه ما داستان لاک پشت و خرگوش را شنیده ایم که چطور لاک پشت با وجود سرعت کمش اما با پشتکار توانست خرگوش را شکست دهد. هر چند این داستان واقعی نیست اما به ما می آموزاند که مقاومت، پشتکار و دست از تلاش نکشیدن نیروی بزرگی است که باید در وجودمان داشته باشیم.

اگر ادیسون برای اختراع برق پشتکار نمی داشت، امروز شاید از این همه سهولت های برق بی بهره بودیم.

اگر پیامبر بزرگ مان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم در مقابل هر مشکل و سختی، دست از تبلیغ دین می کشیدند چه می شد؟ جواب واضح است. دین اسلام هرگز به جهانیان نمی رسید.

ایشان موفق شدند رسالت شان را به شکل عالی به پایان برسانند، چون صاحب اراده بالایی بودند. ایشان در مواجهه با هر مشکل و هر دشمنی از رسالت شان دست نکشیدند و نتیجه اش را ما شاهد استیم.

وقتی تازه یک کار جدید را شروع می کنیم شور و شوق زیادی داریم و پیش بردن و انجام دادن آن کار خیلی آسان هست. مسئله از جایی شروع می شود که با موانع و چالش ها روبرو می شویم، نه می شنویم و به نتیجه دلخواهمان نمی رسیم. در این قسم مواقع اگر پشتکار نداشته باشیم و کارمان را رها کنیم نتیجه زحمت های قبلی مان که برای کارمان کشیده بودیم از بین می رود. وقتی شور و شوق برای کارمان را نداریم آن موقع پشتکار نیروی سوخت ماشین وجودمان می شود تا نگذارد کنار برویم و یا تسلیم شویم. پاسخ به این سوال که چقدر حاضر هستیم برای کار ویا چیزی که دوست داریم وقت، انرژی و زمان بگذاریم خیلی کمک مان می کند.

جوانـی یـک نعمـت الهـی اسـت، پـس بایـد قـدرش را دانسـت!



نویسنده: احمدالله جلالی

جوانی نعمـت اسـت کـه از طـرف خداونـد (ج) بـه انسـان داده شـده اسـت. انسـان‌ها در مقابـل تمـام نعمت‌هایـی کـه از طـرف خداونـد متعـال برایشـان داده شـده اسـت مسـوول می‌باشـند و در مقابـل همـهٔ ایـن نعمت‌هـا بایـد پاسـخگو باشـند کـه چگونـه و بـرای چـه هدفـی ایـن نعمت‌هـای بی‌شـمار کـه از طـرف خداونـد متعـال بـرای آنهـا داده شـده اسـت اسـتفاده کـرده انـد. پـس اسـتفاده درسـت از نعمت‌هـای فـراوان کـه از طـرف خداونـد متعـال بـرای انسـان‌ها داده شـده اسـت خـود نوعـی مسـوولیت هـر فـرد به حسـاب میآیـد. یکـی از ایـن نعمـت هـا جوانـی اسـت کـه در ایـن مقالـه می‌خواهیـم راجـع بـه آن بحـث کنیـم.

جوانـی یـک از بهتریـن نعمـت هـای الهـی اسـت کـه در آن فـرد در اوج توانایـی جسـمی و ذهنـی قـرار دارد و توانایـی انجـام دادن هـر کاری را دارد. بـا انجـام دادن کار هـای سـخت و مشـقت بـار بعـد از سـپری شـدن چنـد سـاعت دوبـاره سـرحال شـده و انـرژی و نیـروی خـود را دوبـاره ذخیـره می‌کنـد.

جوانـی یکـی از نعمت‌هـای بی‌شـماری اسـت کـه خداونـد متعـال بـر انسـان‌ها عطـا کـرده اسـت. امـا آیـا مـا واقعـاً قـدر ایـن نعمـت را می‌دانیـم؟ آیـا می‌دانیـم کـه جوانـی چـه فرصت‌هـا و امکاناتـی را در اختیـار مـا قـرار می‌دهـد؟ در ایـن مقالـه بـه بررسـی ارزش جوانـی بـه عنـوان یـک نعمـت الهـی و ضـرورت قدردانی از آن خواهیـم پرداخـت. جوانـی بـه عنـوان یـک نعمـت الهـی، دوره‌ای از زندگـی اسـت کـه برخـی از بهتریـن فرصت‌هـا و تجربیـات را بـرای مـا فراهـم می‌کنـد. در ایـن دوره از زندگـی، مـا دارای سـلامتی بیشـتر، انـرژی فـراوان، و قـدرت بیشـتری بـرای پیگیـری آرزوهـا و اهـداف خـود هسـتیم. جوانـی زمانـی اسـت کـه انسـان‌ها بیشـترین پتانسـیل خـود را دارنـد و می‌تواننـد بهتریـن نسـخه خـود را شـکل دهنـد.

فرصت‌هـای بی‌شـمار؛ جوانـی بـه مـا فرصت‌هـای بی‌شـماری می‌دهـد کـه بایـد از آنهـا بهره‌بـرداری کنیـم. در ایـن دوران، مـا دارای زمینه‌هـای علمـی، فرهنگـی، اجتماعـی، و حتـی روحـی بـرای رشـد و توسـعه هسـتیم. جوانـی زمانـی اسـت کـه می‌توانیـم مهارت‌هـای جدیـد یـاد بگیریـم، بـه دنبـال تحصیـلات بیشـتر برویـم،

و بـه دنبـال تجربیـات جدیـد و ماجراجویی‌هایـی کـه ممکـن اسـت در سـنوات بعـدی زندگـی مـا دسترسـی بـه آنهـا محـدود شـود، بپردازیـم.

انسـان‌ها در دورۀ جوانـی دارای انـرژی فـراوان و سـلامتی بالایـی هسـتند کـه ایـن ویژگی‌هـا بـه آنهـا امـکان می‌دهـد تـا بـه راحتـی بـه تحقـق آرزوهـا و اهدافشـان برسـند. سـلامت بدنـی و روحـی در جوانـی بـه مـا ایـن امـکان را می‌دهـد کـه بتوانیـم بـا انـرژی و اشـتیاق بیشـتری بـه تجربه‌هـای جدیـد بپردازیـم و شـادتر زندگـی کنیـم.

در دوره جوانـی، افـراد دارای فرصت‌هـای بیشـتری بـرای ارتبـاط بـا دیگـران و برقـراری روابـط اجتماعـی هسـتند. ایـن ارتباطـات می‌توانـد بـه افـراد کمـک کنـد تـا مهارت‌هـای ارتباطـی خـود را بهبـود ببخشـند، از تجربیـات دیگـران یـاد بگیرنـد، و بـه دنبـال فرصت‌هـای شـغلی و تحصیلـی مناسـب بگردنـد.

در دوره جوانـی، انسـان‌ها دارای فرصت‌هـای بیشـتری بـرای رشـد شـخصی و حرفـه‌ای هسـتند. زمانـی کـه مـا جـوان هسـتیم، می‌توانیـم بـه دنبـال شـغلی کـه بـه مـا رضایـت بخشـد و بـه اهـداف شـخصی و حرفـه‌ای خـود برسـیم، بگردیـم. ایـن فرصـت بـه مـا امـکان می‌دهـد تـا بـه دنبـال شـغلی کـه بـه مـا احسـاس موفقیـت می‌دهـد برویـم و زندگـی حرفـه‌ای مطلوبـی را بسـازیم.

قدردانـی از جوانـی بـا توجـه بـه فرصت‌هـای بی‌شـماری کـه جوانـی بـه مـا می‌دهـد، بایـد قـدر ایـن نعمـت الهـی را دانسـت. بایـد از ایـن فرصت‌هـای بیشـتری کـه در دوره جوانـی در اختیـار مـار قـرار دارد اسـتفاده درسـت کـرده و بـه سـاخت خـود و جامعـه خـود تـلاش کنیـم. همانگونـه کـه جوانـی یـک فرصـت و نعمـت بـرای یـک فـرد اسـت، جوانـان خـود یـک نعمت بـرای جامعـه خـود محسـوب می‌شـوند. جوانـان نیکـو از بهتریـن منابـع بـرای رشـد و ترقـی یـک جامعـه بـه حسـاب میآینـد. اگـر نیـروی جـوان در یـک جامعــه خــوب رشــد نکنــد و ســالم بـار نیایـد، آن زمـان اسـت کـه جامعـه بـه رکـود مواجـه خواهـد شـد.

جوانـی، یکـی از بزرگتریـن نعمت‌هـای الهـی اسـت کـه بـه انسـان‌ها عطـا شـده اسـت. ایـن دوره از زندگـی، دوره‌ای اسـت کـه انسـان دارای بهتریـن فرصت‌هـا، امکانـات، و قابلیت‌هـا بـرای رشـد و توسـعه خـود اسـت. بنـأ جوانـان بایـد بـدون کـدام بهانـه گیـری بایـد بـه تـلاش خـود ادامـه دهنـد و بـرای سـاختن یـک آینـده‌ای کـه مملـو از فرصت‌هـا بـه تمـام افـراد جامعـه اسـت مبـارزه کننـد. نیـروی جـوان یـک جامعـه کـه سـتون فقـرات آن جامعـه را تشـکیل می‌دهـد اگـر بـی هنـر و بـی دانـش باشـد باعـث ضعـف و نابـودی جامعـه خواهنـد شـد.

جوانـی، نعمتـی اسـت کـه خداونـد متعـال بـه هـر انسـانی عطـا کـرده اسـت. ایـن دوره از زندگـی، دوره‌ای اسـت کـه انسـان دارای بهتریـن فرصت‌هـا، امکانـات، و قابلیت‌هـا بـرای رشـد و توسـعه خـود اسـت. در ایـن دوره از زندگـی، انسـان دارای سـلامتی بیشـتر، انـرژی فـراوان، و قـدرت بیشـتری بـرای پیگیـری آرزوهـا و اهـداف خـود اسـت. جوانـی زمانـی اسـت کـه انسـان‌ها

بیشـترین پتانسـیل خـود را دارنـد و می‌تواننـد بهتریـن نسـخه خـود را شـکل دهنـد.

جوانی، یکـی از مراحـل زندگی است کـه همراه بـا انـرژی و پتانسـیل بی‌نهایـت، نقطـه عطفـی اساسـی در زندگـی انسـان‌ها را تشـکیل می‌دهـد. ایـن دوره از زندگـی، همچـون یـک گلبـاران از فرصت‌هـا و امکانـات، امـا برخوردهایـی هـم دارد کـه اغلـب اندیشـه‌ها و تصمیمـات را شـکل می‌دهـد. ایـن مقالـه بـه بررسـی ارزش جوانـی بـه عنـوان یـک نعمـت الهـی و ضـرورت قدردانـی از آن پرداختـه اسـت.

نعمتـی بی‌قیـاس؛ جوانـی بـه عنـوان یـک نعمـت الهـی، دوره‌ای اسـت کـه انسـان‌ها بـه سـلامتی، انـرژی و پویایـی بیشـتری دسـت می‌یابنـد. ایـن دوران، زمانـی اسـت کـه انسـان‌ها بـا قـدرت و اشـتیاق بیشـتری می‌تواننـد بـه تحقـق آرزوهـا و اهدافشـان برسـند. برخـلاف سـایر مراحـل زندگی کـه بـا مسـئولیت‌ها و تعهـدات بیشـتری همـراه هسـتند، جوانـی فرصتـی اسـت بـرای آزادی، خلاقیـت و کشـف خـود.

فرصت‌هـای بی‌شـمار؛ در دوره جوانـی، انسـان‌ها دارای فرصت‌هـای بی‌شـماری بـرای رشـد و توسـعه شـخصی و حرفـه‌ای هسـتند. ایـن فرصت‌هـا از جملـه شـامل تحصیـلات، کشـف توانایی‌هـای جدیـد، سـفر و تجربـه‌ی فرهنگ‌هـای مختلـف، و ارتبـاط بـا افـراد موفـق و الهام‌بخـش اسـت. همین‌طـور، ایـن دوران، زمانـی اسـت کـه انسـان‌ها می‌تواننـد ریشـه‌های کارآفرینـی و شـروع یـک کسـب و کار موفـق را بـرای خـود پیـدا کننـد.

انـرژی و سـلامت؛ یکـی از ویژگی‌هـای بـارز جوانـی، انـرژی فـراوان و سـلامتی بیشـتر اسـت. در ایـن دوران، بـدن و ذهـن انسـان‌ها بـرای فعالیت‌هـای روزمـره آماده‌تـر و قدرتمندتـر هسـتند. ایـن انـرژی و سـلامت، فرصتـی فراهـم می‌کنـد تـا انسـان‌ها بـه ورزش، تحصیـلات، و کارهایـی کـه شایسـته اسـت و دوسـت دارنـد، بپردازنـد. همچنیـن، ایـن فرصـت می‌توانـد بـرای برنامه‌ریـزی زندگـی سـالم و فعـال کمـک شـایانی کنـد.

امکانـات اجتماعـی؛ جوانـی همچنیـن زمانـی اسـت کـه انسـان‌ها دارای امکانـات اجتماعـی بیشـتری هسـتند. ایـن ارتباطـات، فرصتـی اسـت بـرای یادگیـری از تجربیـات دیگـران، اشـتراک گـذاری ایده‌هـا و آرزوهـا، و حتـی پیـدا کـردن همراهـان بـرای مسـیریابی در زندگـی. ایـن امکانـات اجتماعـی می‌تواننـد بـه افـراد کمـک کننـد تـا خـود را در جوامـع مختلـف بنگرنـد و شـبکه‌های ارتباطـی قوی‌تـری را بـرای خـود بسـازند. قدردانـی و بهره‌منـدی در نهایـت، قدردانـی از جوانـی و بهره‌منـدی از فرصت‌هایـی کـه ایـن دوره از زندگـی ارائـه می‌دهـد، امـری ضـروری اسـت. بایـد از ایـن نعمـت الهـی بـه عنـوان یـک فرصـت بـرای رشـد شـخصی و اجتماعـی اسـتفاده کـرد و در زمینه‌هـای مختلـف زندگـی خـود تـلاش کـرد. بهتریـن راه بـرای شـکر و احتـرام بـه ایـن نعمـت، اسـتفاده بهینـه از زمـان و امکانـات جوانـی و همچنیـن بهره‌گیـری از تجربیـات دیگـران اسـت.



نقش اعتقادات دینی در پیشگیری از جرایم

پوهنیار سیدعلی صاحبدل

اگر مرور کوتاه به علوم کریمنالوژی یا جرمشناسی داشته باشیم، درخواهیم یافت که جرم و گناه در تمام ادوار تاریخ وجود داشته و پیشگیری از جرم و گناه در حیات بشری به شیوه‌های مختلفی اعمال شده است. یکی از روشهای بسیار موثر و کارآمد در رابطه با پیشگیری از جرم و گناه، نقش اعتقادات و آموزه‌های دینی بر افراد میباشد؛ اعتقاداتی که باعث خودکنترلی در افراد گردیده و دیگر نیازی به کنترل از سوی ارگانهای مختلف نمیباشد.

اگر تاملی مختصر به متون دینی داشته باشیم، متوجه میشویم که آنچه امروزه از آن به عنوان پیشگیری از جرم یاد می‌شود در تار و پود پیامهای آسمانی و رهنمودهای انبیا الهی بوده است. علاوه از آن، از آنجایی که رسالت دین، رهایی انسان از تباهی و فساد و گمراهی میباشد؛ لذا پیشوایان دینی برای تحقق آن، از هیچ تلاشی دریغ نمیکردند و قبل از مبارزه با معلول، با علت و زمینه گناه و جرم مبارزه میکردند و بر این اساس پیشگیری از انحراف و کژروی، در صدر وظایف رهبران دینی قرار داشته است.

نقش اعتقادات دینی بر اعمال و رفتار انسان معتقد، امری انکار ناپذیر است. اعتقادات دینی در تمامی اعمال و رفتار انسان مومن منعکس شده، او را به انجام اوامر الهی ترغیب و از نواهی باز میدارد. اگر انسان حس کند که چشمانی همیشه بیدار، همواره مراقب و در کنار اوست، شرم حضور او و از

هرچـه سـبب ناخشـنودی اوسـت، بـاز میـدارد و در پرتـو دینـداری واقعـی چنـان انسـان رشـد میکنـد کـه نـه تنهـا در حضـور دیگـران بلکـه در خلـوت و تنهایـی هـم از جـرم و گنـاه پرهیـز میکنـد و نوعـی خودکنترلـی در او بوجـود مـی آیـد.

عــده ای از کارشناســان در رابطــه بــه تاثیــر اعتقـادات دینـی بـر کاهـش جرایـم معتقدنـد کـه اعتقــادات دینــی ســبب ایجــاد امنیــت اخلاقــی شــده و ایــن امنیــت موجــب کنتــرل درونــی و بـروز رفتارهـای ارزشـی و مطابـق بـا هنجارهـای پذیرفتــه شــده جامعــه می‌شــود. امــروزه یکــی از شـیوه‌های کـه در اکثـر کشـورهای جهـان بـرای جلوگیـری از جـرم و تخلفـات انجـام می‌شـود، کـه اثـر مهمـی هـم از خـود نشـان داده، شـیوه اعتقاددرمانـی اسـت. زمانـی کـه در جامعــه‌ای، عوامــل معنــوی و دینــی پررنــگ می‌شـود؛ بـدون شـک میـزان جـرم و جنایـت کاهـش قابـل ملاحظـه‌ای مـی یابـد. بـه گونـه‌ای کـه در بررسـی‌ها و تحقیقـات صـورت گرفتـه، نشـان می‌دهـد کـه اغلـب خلافـکاران افـرادی هسـتند کـه از دیـن و معنویـات دور شـدند و در خانواده‌هـای پـرورش یافتـه انـد کـه ارزشـهای معنـوی و وحیانـی کمرنـگ شـده و ارزشـهای مـادی جـای آنـرا گرفتـه اسـت.

نظـر بـه اینکـه آموزه‌هـای دینـی، در رابطـه بـا پیشـگیری از جـرم، بـرای نظـام قضایـی مـا کـه مبتنـی بـر احـکام اسـلامی اسـت، کارآمـد و موثـر اسـت؛ نوعـی اقـدام پیشـگیرانه از وقـوع جـرم، خلافـکاری، انحـراف و گمراهـی از اصـول قضایـی اسـلامی و سیاسـت جنایـی اسـلام محسـوب می‌شـود. ایـن اقدامـات پیشـگیرانه مجموعـه‌ای از اقدامـات و فعالیت‌هـای سـازنده تربیتـی، آموزشـی، اجتماعـی، فرهنگـی اقتصـادی و سیاسـی را در بـر می‌گیـرد. واقعیـت آن اسـت کـه کارآمـدی احـکام اسـلامی و قضایـی اسـلام، در بسـتر مناسـب و طبیعـی خـود جلوه‌گـر می‌شـود. بسـتر طبیعـی اجـرای احـکام اسـلامی جامعـه‌ای را مـی طلبـد کـه در آن قبـل از مبـارزه بـا معلـول، بـا علـت و اسـاس آن مبـارزه شـود. جـرم و گنـاه، پیشـرفت جوامـع را مختـل میکنـد و هزینه‌هـای زیـادی را بـرای حکومـت تحمیـل نمـوده و بایـد از طریـق اقدامـات پیشـگیرانه و پیونـد عمیـق بـا نسـل جـوان، جامعـه را اصـلاح کـرد و از جـرم و گنـاه بـه دور و مصـون داشـت. یکـی از عواملـی کـه افـراد را از جـرم و گنـاه بـاز مـی‌دارد، رعایـت تعالیـم وحیانـی و داشـتن رابطـه قـوی بـا خالـق بـی همتاسـت. بنابرایـن عمـلاً مـی

بینیـم در مواقعـی کـه پیونـد محکمتـر اسـت، وقـوع جـرم و گنـاه در جامعـه کاهـش می یابـد. مثـلاً در مـاه مبـارک رمضـان کـه مسـائل عبـادی بیشـتر مـورد توجـه اسـت، آمـار جرایـم کاهـش مـی یابـد. البتـه توجـه بـه کرامـت انسـانی، برخـورد عاطفـی و بـا محبـت و تقویـت اعتمـاد بـه نفـس، از دیگـر روشـها بـرای پیشـگیری و کاهـش جرایـم اجتماعـی اسـت.

اعتقـادات و آموزه‌هـای دینـی نقـش موثـری در پیشـگیری از وقـوع جـرم و تحقـق سـلامت اجتمـاع دارد و عامـل تقویـت ایمـان و معنویـات اسـت کـه در آیـات متعـدد قرآنکریم بـر آن تاکید شـده اسـت. خداونـد متعـال در مـوارد متعـدد، علـت تشـریع احـکام را دوری از انحراف‌هـا، معاصـی و جرایـم ذکـر کـرده کـه آیـهٔ ۴۵ سـوره مبارکـه عنکبـوت، در خصـوص نمـاز آمـده اسـت کـه نمـاز بـه منظـور جلوگیـری از فحشـا و منکـرات اسـت. خداونـد متعـال در قرآنکریـم فلسـفه روزه را تقویـت تقـوی و خودنگهـداری ذکـر کـرده اسـت. بنابرایـن روزه از جهـت تقویـت تقـوای الهـی و خداترسـی در هنـگام بروز وسوسـه‌های شـیطانی و جـرم از هنگامـی کـه هیـچ پولیـس و مانعـی بـر سـر راه ارتـکاب جـرم نیسـت، بـه عنـوان ابـزار قـوی و محکـم، اراده فـرد را تحـت تاثیـر قـرار داده و مانـع ارتـکاب جـرم مـی گـردد. عـلاوه بـر تاثیـر قابـل توجهـی کـه تعالیـم دینـی و اجـرای دسـتورات الهـی بـر کاهـش خلافـکاری، بـه طـور مسـتقیم یـا غیـر مسـتقیم دارنـد، هماهنگـی و همگونـی کـه توسـط دیـن و مکتـب دینـی ایجـاد مـی شـود، خـود از عوامـل پیشـگیری از جرایـم اسـت.

طوریکـه میدانیـم اعتقـادات دینـی یـک مفهـوم چنـد بُعـدی اسـت، یکـی بُعـد نظـری اعتقـاد دینـی کـه عبـارت از اعتقـاد واقعـی و خالصانـه افـراد بـه اللـه متعـال، فرشـتگان، انبیـا الهـی و... اسـت، دوم بُعـد عملـی اعتقـاد دینـی، یعنـی اعتقـادات نظـری انسـانها در تمامـی رفتـار و اعمـال روزانـه انسـان مومـن منعکـس شـده و او را بـه انجـام اوامـر الهـی ترغیـب و از مناهـی بـاز میـدارد. از ایـن رو انسـان بـرای رسـیدن بـه یـک زندگـی آرام، نیـاز بـه دیـن دارد و دینـداری در سالمسـازی اجتمـاع نقـش بسـزای داشـته و گرایـش بـه جـرم را از بیـن میبـرد و یـک نیـروی یکپارچـه کننـده و وحـدت بخـش شـخصیت انسـان اسـت. دیـن میتوانـد عامـل کنتـرل اضطرابهـا، احساسـها و نـا امنیهـا، لغزشـها و غیـره باشـد؛ کـه در نتیجـه بـا کنتـرل ایـن امـور مهـم و اعتقـادات دینـی میتوانیـم شـاهد کاهـش جرایـم بصـورت چشـمگیر در جامعـه باشـیم.



قلب؛ مهمترین و حیاتی‌ترین عضو بدن را چگونه محافظت کنیم؟

گردآوری: مسعود ابراهیمی

قلب یکی از اعضای حیاتی در بدن انسان است و نقش بسیار مهمی در عملکرد سیستم گردش خون و انتقال آکسیجن دارد. این عضو عضلانی به صورت مداوم خون را از طریق عروق و رگ‌های خونی به سایر اعضا و بافت‌های بدن انتقال می‌دهد.

قلب به عنوان یک پمپ عمل می‌کند و خون را به سرعت و با فشار کافی از طریق عروق خونی به سایر اعضا و بافت‌های بدن منتقل می‌کند. این فرایند به تأمین اکسیجن و مواد غذایی به سلول‌ها و بافت‌ها کمک می‌کند و مواد زاید و متابولیک را به اعضایی مانند ریه‌ها و کلیه‌ها برای دفع از بدن حذف می‌کند.

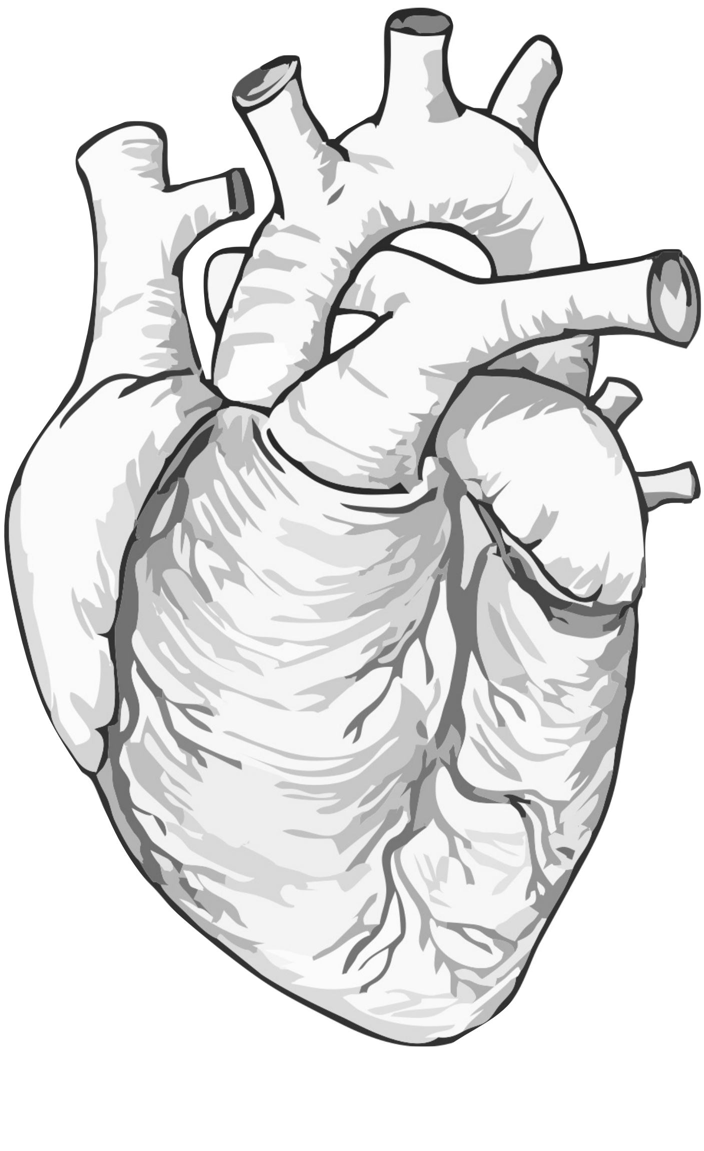
از آن جا که خون حاوی حرارت بدن است و قلب با پمپاژ خون به سرعت، حرارت را به تمامی اعضا و بافت‌های بدن منتقل می‌کند. این عمل به حفظ دمای بدن مناسب و تعادل

حرارتی کمک می‌کند.

حمل اکسیجن و مواد غذایی توسط خون صورت میگیرد که قلب با پمپاژ خون، به تامین اکسیجن و مواد غذایی مورد نیاز بدن کمک می‌کند.

خون اکسیجن و مواد غذایی را از ریه‌ها و جهاز گوارش جمع‌آوری کرده و به سلول‌ها و بافت‌ها منتقل می‌کند تا در فعالیت‌های متابولیک و تغذیه‌ای بدن مورد استفاده قرار بگیرند.

قلب با خونبری و پمپاژ خون، مواد زاید و متابولیک را از بافت‌ها جمع‌آوری کرده و به اعضایی مانند کلیه‌ها و ریه‌ها انتقال



می‌دهد تا این مواد از بدن دفع شوند.

همچنان قلب با عملکرد منظم و صحیح خود، فشار خون را در سیستم گردش خون کنترل می‌کند. این امر به حفظ سلامتی عروق خونی و عملکرد صحیح اعضا و بافت‌های بدن کمک می‌کند.

از این رو، قلب به عنوان مرکز اصلی سیستم گردش خون عمل می‌کند و برای حفظ سلامت و عملکرد صحیح بدن بسیار حیاتی است. هرگونه مشکل در عملکرد قلبی می‌تواند عواقب جدی برای سلامت و عملکرد بدن داشته باشد. به همین دلیل، حفظ سلامت قلب و اعمال سبک زندگی سالم، اهمیت بسیاری دارد. مراقبت از قلب شامل مواردی مانند تغذیه مناسب، ورزش منظم، کاهش استرس و اضطراب، خواب کافی و جلوگیری از عوامل خطری نظیر سیگاری، چاقی، فشار خون بالا و دیابت است.

مهم‌ترین راهکارهای حفظ سلامت قلب به طور خلاصه، شامل موارد زیر می باشد:

۱ - خواب کافی
۲ - مصرف غلات
۳ - عدم استعمال دخانیات
۴ - کنترل استرس و تقویت روحیه
۵ - پرهیز از مصرف غذاهای پرچرب
۶ - کنترل فشار خون
۷ - اجتناب از مصرف نوشیدنی های الکلی
۸ - تحرک کافی و کنترل وزن

نکاتی که خوب است درباره قلب بدانید

سیگار کشیدن، مصرف غذاهای ناسالم و نداشتن فعالیت بدنی، خطر ابتلاء به بیماری‌های قلبی-عروقی مانند سکته قلبی و مغزی را افزایش می‌دهد.

فشار خون بالا، قند خون بالا، چاقی و اضافه وزن نیز تأثیر منفی قابل توجهی بر سلامت قلب دارد؛ بنابراین توصیه شده است که افراد از سبک زندگی سالم پیروی کنند، به میزان کافی ورزش کنند و وزن خود را در محدوده طبیعی حفظ کنند تا عملکرد قلب بهبود پیدا کند.

قلب برای حیات ضروری است. در صورت توقف ضربان، خون به مغز و سایر اندام‌ها نمی‌رسد و فرد می‌تواند در عرض چند دقیقه بمیرد. به این حالت ایست قلبی گفته می‌شود.

اگر فردی دچار ایست قلبی شود، دیگر قادر به حرف زدن یا تنفس نیست و ضربان قلب نخواهد داشت. هر کسی که در اطراف خود شخصی با این وضعیت را مشاهده می‌کند باید بلافاصله با شماره عاجل بخش صحت تماس گرفته و احیای قلبی ریوی (CPR) را شروع کرده و با دستان قفل شده بر مرکز قفسه سینه فرد فشار وارد کنید؛ زیرا CPR پس از توقف قلب می‌تواند شانس زنده ماندن فرد را دو یا سه برابر بیشتر کند.

نبض سالم معمولاً ۶۰ تا ۱۰۰ بار در دقیقه می‌زند.

فرد می‌تواند نبض خود را در نقاطی که عروق از سطح پوست عبور می‌کنند، مانند مچ دست یا گردن، احساس کند. نبض همان ضربان قلب است. هنگامی که نبض خود را احساس می‌کنید، در حقیقت هجوم خون درون رگها در حین پمپاژ خون توسط قلب را احساس می‌کنید.

نبض سالم معمولاً ۶۰ تا ۱۰۰ بار در دقیقه می‌زند و این عدد می‌تواند در افراد مختلف متفاوت باشد. ممکن است یک فرد بسیار فعال نبض پایینی ۴۰ داشته باشد. افرادی که بدن آنها درشت تر است، نبض سریع تری دارند، اما معمولاً این عدد بیش از ۱۰۰ دور در دقیقه نیست.

باید بدانیم، برای این که عمر بیشتری کرده و سلامتی طولانی تری را تجربه کنیم و به بیماری‌های قلبی و عروقی دچار نشویم، رعایت تغذیه صحیح و پرهیز از مصرف



دخانیات و بی تحرکی راه بسیار مهم پیشگیرانه اسـت..

رهنمودهای قرآنی

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «بـه عهـد خـود وفا کنیـد، بـه حقیقـت در برابـر عهـد و پیمان از شـما سـوال خواهنـد کـرد. سـوره الاسـراء، آیـه ۳۴»

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «ای کسـانی کـه ایمـان آورده ایـد، چـرا مـی گوییـد آن چـه کـه خـود بـه آن عمـل نمیکنیـد. ایـن چنیـن کلمـه در نـزد خـدا بسـیار بـزرگ و مـورد خشـم و غضـب اسـت، ایـن کـه خـود بگوییـد و بـه آن عمـل ننماییـد. سـوره الصـف، آیـه ۲ و ۳»

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «از آن چـه آ گاهـی ندارید، پیـروی ننماییـد، گـوش و چشـم و زبـان و دل؛ همـه همـه آن هـا مـورد بازخواسـت و سـئوال قـرار میگیرنـد. سـوره الاسـراء، آیـه ۳۶»

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «انسـان بـه لفـظ نمـی آورد گفتـه ای را جـز ایـن کـه در نـزد او دو شـاهد بـه نـام رقیـب و عتیـد حاضـر انـد و آن را ضبـط و ثبـت مـی نماینـد. سـوره ق، آیـه ۱۸»

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «برخـی از شـما، برخـی دیگـر را بدگویـی و غیبـت نکنـد، آیـا یکـی از شـما دوسـت میـدارد کـه گوشـت بـرادر مـرده اش را بخـورد؟ شـما کراهـت داریـد از خـوردن گوشـت بـرادر مـرده خـود، پـس از خـدا بترسـید. یقینـا خداونـد توبـه را میپذیـرد، بخشـده و مهربـان اسـت. سـوره الحجـرات، آیـه ۱۲»

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «ای کسـانی کـه ایمـان آورده ایـد، پرهیـزگار و راسـتگو باشـید. سـوره التوبـه، آیـه ۱۱۹»

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «و بـرای خـدا، حـج آن خانـه، بـر عهـده مـردم اسـت، البتـه بـر کسـی کـه بتوانـد بـه سـوی آن راه یابـد وهر کـه

ارشادات نبوی

کفر ورزد، یقینا خداوند از جهانیان بی نیاز است. سوره آل عمران، آیه ۹۷»

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «چهار چیز در هر کس باشد، آن کس منافق خالص است و اگر یک خصلت از آن چهار در او یافت شود، یک خصلت نفاق در او است تا آن را ترک نماید. ۱: هر گاه به او امانت سپرده شود، خیانت می کند. ۲: چون سخن گوید، دروغ بگوید. ۳: به عهد و پیمان وفا نکند. ۴: چون دشمنی کند، قوانین جنگ را زیر پا بگذارد. متفق علیه»

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «از دعای مظلوم بپرهیزید، زیرا در بین دعای او و خداوند، حجاب و پرده ای نیست. رواه البخاری و الترمذی»

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «پرهیزگار باشد، نمازهای پنجگانه را انجام دهید، روزه ماه مبارک رمضان را بگیرید، زکات اموال تان را با اخلاص بدهید، نفس خود را با پرداخت زکات پاک سازید، اولوالامر را اطاعت نمائید، به بهشت خدا داخل شوید. رواه احمد»

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «از ظلم بپرهیزید، زیرا ظلم و ظلمات و تاریکی روز قیامت است. بخیل و حسود مباشید، زیرا بخالت و حسادت مردم قبل از شما را هلاک ساخت. آنان را بر خونریزی و حلال نمودن حرام وادار نمود. متفق علیه»

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «هر گاه خواستید در بستر خواب روید، همانطوری که برای نماز وضوء میگیرد، بوضؤع بگیرید. سپس به طرف راست بخوابید و بگوئید: خدایا! خود را به تو تسلیم نمودم و کارم را به تو واگذار کردم، بر تو تکیه زم، قصدم به سوی توست (پناهم بده). هیچ پشت و پناهی جز تو وجود ندارد. خدایا! به کتاب تو و پیغمبر تو که بر ما فرستاده ای، ایمان دارم. متفق علیه»

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «هر گاه بدون درخواست به شما چیزی داده شد، از آن بخورید و از آن صدقه دهید. رواه البخاری»



معلومات عمومی

اسلام بر پنج اساس، بنا نهاد شده است

۱: گواهـی دادن بـه یگانگـی خـدا و بنـده و پیامبـر بـودن پیامبـر خـدا، علیـه السـلام.

۲: و برپا داشتن نماز.

۳: و پرداختن زکات.

۴: و حج خانه خدا.

۵: و گرفتن روزه رمضان

بهشت کجاست؟

بـالاي هفـت آسـمان و جـدا از هفـت آسـمان. چـون آسـمان روز قیامـت از بیـن میـرود امـا بهشـت جاویـدان اسـت و سـقف بهشـت عـرش پـرودگار اسـت.

جهنم کجاست؟

مرکـز آن طبقـه هفتـم زمیـن اسـت، در جایـي بـه نـام سـجین. جهنـم کنـار بهشـت نیسـت کـه بعضـي هـا میپندارنـد.

زمینـي کـه بـر روي آن زندگـي میکنیـم زمیـن اول اسـت و شـش زمیـن دیگـر وجـود دارد کـه زیـر زمینـي اسـت کـه بـر روي آن زندگـي میکنیـم .

سدره المنتهي چیست؟

درختـي بـزرك و سـترگ کـه ریشـه هـاي آن در آسـمان ششـم اسـت و بـه آسـمان هفتـم نیـز ادامه دارد.بـرگ هایـي هماننـد گـوش فیـل.

ایـن درخـت بیـرون از بهشـت واقـع شـده کـه پیامبـر صلـی اللـه علیـه و سـلم حضـرت جبرئیـل علیـه السـلام را در کنـار ایـن درخـت بـه صـورت حقیقـي و و واقعـي رویـت کردنـد.

حورالعین چه کسانی هستند؟

زنـان مومنـان در بهشـت، نـه از انسـان نـه از ملائکـه و نـه از جـن. اگـر یکـي از ایـن زن هـا بـه زمیـن دنیـا نـگاه کنـد، مابیـن مشـرق و مغـرب را روشـن میکنـد.

الولدان المخلدون چه کسانی هستند؟

خدمتـکاران اهـل بهشـت، نـه انـس نـه جـن و نـه ملائـک، پاییـن تریـن درجـه اهـل بهشـت ده هـزار تعـداد از ایـن خدمتـکاران را دارنـد.

اعراف کجاست؟

دیـوار بلنـدي اسـت بـراي مسـلمانانی کـه خوبـي و بـدي شـان مسـاوي اسـت، مدتـي در کنـار آن دیـوار میخورنـد و مـي آشـامند و سـپس وارد بهشـت میشـوند.

مدت زمان روز قیامت چقدر است؟

پنجـاه هـزار سـال. ملائکـه و روح در روزي کـه مقـدار آن پنجـاه هـزار سـال اسـت، عـروج مـي یابنـد. روز قیامـت پنجـاه جایـگاه اسـت و هـر جایگاهـي هـزار سـال.

افغانستان از منظر فرهنگی

محمدصدیق میر؛ مدیرعمومی حفظ و مراقبت آبدات تاریخی

افغانستان کشوری که با پیشینۀ فرهنگی - تاریخی چندین هزار ساله، مدنیت های بزرگی، از جمله مدنیت اسلام را در صفحات زرین تاریخ خویش ثبت دارد.

در زمان خلیفه سوم اسلام، حضرت سیدنا ابوبکر صدیق (رض) بود که مردم این خطۀ کهن به دین مبین اسلام مشرف شده، و این آئین پاک آسمانی را به آغوش گرم و از ته دل پذیرا شدند.

و خورشید عالمتاب این دین پاک تقریباً سراسر افغانستان را در همان چهارده و نیم قرن پیش پرتو فشانی و منور نمود، آئین جدید، (اسلام) بحق که یک سلسله مزیت های اجتماعی و فرهنگی گران‌سنگی نسبت به باور های قبلی خویش، در جامعه به ارمغان آورد. یکی از این مزیت ها را میتوان مسئله فرهنگی عنوان کرد که در آتیه به آن اشاراتی خواهد شد. اما این فرهنگ در عمق و لایحه های مهم اجتماعی نفوذ و تأثیرات شگرف خویش را بجا گذاشت. ریشه های ظلم و ستم را برچید، حق تلفی و زورگویی را باطل ساخت، بساط خودکامه گی و تن باره گی را مردود ساخت، برای انسان و هویت انسانی اش حرمت به میان آورد، از پدیده های فرهنگی که منشاء و باور دینی و اخلاقی داشتند تکریم و حمایت بعمل آورد، به عملکرد انسان مومن مسلمان که بازتاب دهندۀ هویت، دانش اسلامی و انسانی و فرهنگی بود، احترام گذاشت و آن را تشویق، ترغیب و مورد حرمت قرار داد.

در این میان شمار زیادی از اهل فرهنگ و دانش این سرزمین اقدام به ایجاد، تزئین و حتی نگارش کتب مذهبی، دینی و کلام الله مجید نمودند، که منحیث شهکار فرهنگی امروز در کشور از آنها به حسن صورت نگهداری و حراست بعمل می آید.

بحث دیگر، فرهنگی بودن و فرهنگ پروری ولایات مطرح است که منباب گلی خوشبود

از سبد گل‌ها، از چند ولایت افغانستان نام می بریم. هرات که معروف و مشهور به باستانی است دارای فرهنگ و تاریخ کهن میباشد. قندهار سرزمینی که معروف رادمردی و شجاعت تاریخ و فرهنگ روشن دارد. هلمند سرزمینی که آب های فراوانش یادآور طراوت و تازگی و مردمش در راد مردی شهره. مزار شریف که مهد فرهنگ و ادب است همین که مولانای بلخ ستونی از فرهنگ کشور است کافی است. بامیان که بند امیرش آدم را به لابلای تاریخ قدیم میبرد و فرهنگ را از این زاویه آشکار می‌سازد کافی می نماید. سمنگان از تخت رستمش که حیرت آور است و بیانگر ریشه دار بودن تمدن و فرهنگ عالی است کافی نیست؟ کابل با مردم خوش‌خوی و شیرین زبانش که با کوله باری از علم و حلم و ادب و فرهنگ انسانی همراه است و روایتگر فرهنگ غنی این سرزمین است، چه استنباط می کنیم؟

همۀ این برکات نتیجه تلاش و کار جمعی فرهنگی از تعدادی انسان های مسئول و میهن دوست و متدین است که از دل تمدن و فرهنگ برخاسته و به زادگاه و مردم خویش هویت، حریت و فرهنگ دوستی بخشیده اند.

اگر از سلسله درخشان میرزایان تیموری (خاقان سعید شاهرخ میرزا / خاقان منصور سلطان حسین بایقرا ۸۰۷/ ۹۱۱ هـ) یاد و خاطر نشان نماییم؛ صدها مجلد از کلام پاک الهی و احادیث نبوی و سایر کتب مذهبی، اشعار و سخنان عارفانه به بهترین وجه ممکن طلاکاری، منقش و در نیکوترین شکل ممکن با گل و برگ‌های اسلیمی تزئین شده اند. و یا بدست بهترین خوشنویسان کشور در یکی از اشکال خطوط اسلامی با قبول زحمت و از روی شوق و ایمان کامل، نگارش یافته است؛ بگذریم، حتی شاهان، شاهزاده گان و زعمای کشور، همه خود اهل فرهنگ بوده، و به پاس ارج گزاری به اهل فرهنگ و هنر، هنرمندان و اهل فرهنگ را در طول تاریخ از سپردن و تادیه انواع مالیات و سایر تکالیف مالیاتی معاف، مستثنی و بخشیده بودند. که این روایت و کتیبه های حکاکی شده در این خصوص روشن می سازد، که مردم افغانستان اعم از رعیت تا زعیم همه به نحوی از انحا، به فرهنگ و ادب وابسته بوده، و بیگمان که همه‌گان اهل آن هستند.

کتیبه های که بر سر در برخی از عبادتگاه ها، مکان‌های مذهبی، عمارات تاریخی و مساجد در افغانستان توسط اهل فرهنگ و



هنرکار شده، همه به آیات کلام الله شریف، اشعار عرفانی و مناجات مشایخ کبار بدرگاه قاضی الحاجات مزین و آراسته می‌باشند. این کتیبه ها به انواع خطوط اسلامی نستعلیق، ثلث، کوفی و نسخ در قالب های کاشی های معرق و هفت رنگ نگارش یافته اند. این رسم عزیز می‌رساند که افغانستان از منظر فرهنگی، سرزمین فرهنگ، هنر، علم و ایمان و باور به داشته های اسلامی، فرهنگی و تمدنی است.

بایسنقر میرزا (صده نهم هجری) که در هرات بدنیا آمد، در هرات رشد کرد، و در هرات هم چشم از جهان پوشید، و در همان جای دفن شد، خود اهل فرهنگ بود. شمار زیادی از فرهنگیان مسلمان را از گوشه و کنار کشور و جهان پیرامون خویش را جمع، دار الفنونی در آن سامان ایجاد، و اهل فرهنگ و هنر و ادب را در آن گرد ساخته بود، که به طلاکاری حاشیه های کلام ربانی و سایر کتب مذهبی می پرداختند.

جوانمردی، همت و مهمانوازی بدون

شک جزء از فرهنگ اسلامی و بومی مردمان پاکطینت افغانستان است. سخت کوشی و تلاش برای کمائی نمودن لقمه حلال، که دین مبین اسلام آن را برای پیروان خویش توصیه نموده، هم بخشی از فرهنگ پربار مردمان این سرزمین است. گذشت که خصلت مردان شجاع و با ایمان است، هم بخشی از خصوصیات بارز مردم افغانستان را تشکیل میدهد. صبر و حوصله در مقابل همه روی‌داد های زندگی، از ویژه گی‌های اسلامی و فرهنگی مردم ماست. توکل به خالق جهان، در مقابل همه پیش داد ها و حوادث زندگی، که از جمله ارشادات دینی و مذهبی است، هم بخشی از فرهنگ ریشه دار افغان‌هاست.

ما در چندین ساحه از جمله؛ دین پروری، توجه و تزئین و مطلا کاری کتب دینی و مذهبی، شهامت و مردانگی، نگارش انواع کتیبه ها و درگاه های معابد به خطوط اسلامی، گذشت و مهمان‌نوازی، توجه و دستگیری از افتاده گان، حریت و آزاده گی، استقامت و صبر در مقابل آنچه از جانب خدا (ج) بر بندگانش نازل می‌شود، ایمان کامل به آمنت بالله و ملائکته الی اخیر، که همه چیز از اوست و از طرف اوست، راضی بودن به رضای الله که رحمان و رحیم است، حسن خلق و برخورد نیک با یکدیگر، محبت به کودکان و حرمت برای بزرگان، اجرای هدایات و گفته های محاسن سفیدان با تجربه و پاکنفس و موارد مشابه فراوان دیگر، بگونه اختصار به آن ها اشاراتی داشته ایم. که فرهنگ لایتجزای مردم عزیز ما را تشکیل میدهند.

حالا کسانی که میخواهند از وضع و لایه های فرهنگی باشندگاه این سامان (افغانستان) مطلع شوند، موارد اندک و مختصری را که برشمردیم توجه نمایند. آنگاه خواهند دانست که مردم مسلمان و متدین این خطهٔ کهن و تاریخی از چه نوع فرهنگ والا و بالای اسلامی و میهنی برخوردار هستند. هر چند که مردم ما از لحاظ اقتصادی و معیشتی در مشکلات هستند، که آن هم امید می‌رود تا سیاست گزاران اقتصادی و بزرگان کشور با مزید و عطف توجه به رفع آن، آن هم (معضل اقتصادی) مع الخیر بساطش برچیده شود. اما از نگاه داشته های فرهنگی و عرق ملی، سرزمین تاریخی افغانستان مهد فرهنگ و ادب بوده و ان شاء الله خواهد بود.

بمنه و کرمه.

اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های امارت اسلامی افغانستان

پیام تسلیت با هموطنان آسیب دیده ناشی از سیلاب ها در بغلان، بدخشان، غور و هرات

بسم الله الرحمن الرحیم

با تأسف آگاهی یافتیم که در اثر جاری شدن سیلاب ها در ولایات بغلان، بدخشان، غور و هرات، صدها تن از هموطنان ما شهید و مجروح شده اند، شمار زیادی از منازل مسکونی ویران و زیان های هنگفت مالی به مردم رسیده است.

امارت اسلامی افغانستان به تمام شهدای این رویداد المناک جنه الفردوس، به مجروحین شفای عاجل و به خانواده‌های آسیب دیده نعم البدل استدعا دارد.

همچنان به خانواده‌های شهدا و مجروحین همدردی عمیق خود را ابراز نموده و به وزارت دولت در امور مبارزه با حوادث، وزارت امور داخله و همچنان مسئولین ولایتی هدایت می‌دهد که هر چه عاجل برای نجات مردم، بیرون آوردن شهدا و معالجه مجروحین، تمام امکانات خویش را به کار اندازند.

همچنان از هموطنان خویش می‌خواهیم که بخاطر کمک به آسیب دیدگان این آفت طبیعی اقدام نموده و آنچه در توان دارند با سیلاب زدگان شریک سازند. امارت اسلامی نیز با استفاده از تمامی امکانات موجود در خدمت مردم خود قرار خواهد داشت.

الله تعالی مردم ما را دیگر از این آفات نجات دهد و برای آسیب دیدگان صبر جمیل را نصیب گرداند. آمین یا رب العالمین.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۵/۱۱/۲هـ ق

۱۴۰۳/۲/۲۱هـ ش ـ ۱۰/۵/۲۰۲۴ م

اعلامیـه معاونیـت اقتصـادی ریاسـت الـوزراء ا.ا.ا در پیونـد بـه گـزارش اخیـر بانـک جهانـی پیرامـون وضعیـت اقتصـادی افغانسـتان

در ارتبـاط بـه وضعیـت اقتصـادی افغانسـتان گزارشـی در ۱۸ ام اپریـل ۲۰۲۴ میـلادی از سـوی بانـک جهانـی منتشـر گردیـده اسـت. در ایـن گـزارش بـه وضعیـت اقتصـادی افغانسـتان اشـاره شـده اسـت.

در ایـن گـزارش آمـده کـه وضعیـت اقتصـادی افغانسـتان از دو سـال گذشـته بدینسـو بـا مشـکلات مواجـه بـوده اسـت. سـطح تولیـد ناخالـص داخلـی و انفلاسـیون کاهـش یافتـه عرضـه پـول افغانـی مـورد نیـاز بـه بـازار کـم شـده و در تجـارت نیـز کسـر وجـود دارد. همچنـان در ایـن گـزارش گفتـه شـده کـه ارزش پـول افغانـی در برابـر اسـعار خارجـی افزایـش یافتـه کشـت مـواد مخـدر در کشـور ۹۰ درصـد کاهـش یافتـه و عوایـد ملـی ۹ درصـد بیشـتر از هـدف تعییـن شـده بـرای ۲۰۲۳م جمـع آوری شـده اسـت.

معاونیـت اقتصـادی ریاسـت الـوزراء .... از بخشـهای مثبـت و مبتنـی بـر واقعیـت هـای ایـن گـزارش را سـتایش مـی نمایـد.

ولـی بخـش هـای ایـن گـزارش کـه دور از واقعیـت هـای عینـی میباشـد، رد مـی نمایـد زیـرا پـس از آمـدن ا.ا تولیـد ناخالـص داخلـی افزایش یافتـه دلیـل اصلـی پاییـن بـودن قیمـت مـواد خوراکـی و غیـر خوراکـی افزایـش در تولیـدات داخلـی ایـن مـواد اسـت بـر اسـاس سیاسـت هـای پولـی معقـول افغانـی بـر اسـاس ارزیابـی و تقاضـا مارکیـت بـه بـازار عرضـه شـده اسـت. در کاهشـی کسـر تجـارت پیشـرفت قابـل ملاحظـه بـه وجـود آمـده بـه طـور مثـال گفتـه میتوانیـم کـه در ۱۴۰۰ خورشـیدی ارزش صـادرات در حـدود ۸۵۰ میلیـون دالـر بـود امـا در ۱۴۰۲ خورشـیدی سـطح صـادرات بـه ۲ میلیـارد دالـر رسـید و میزان واردات نیـز نسـبت بـه گذشـته کاهـش یافتـه کـه دلیـل اصلـی آن افزایـش تولیـد مـواد خوراکـی و غیـر خوراکـی در داخـل کشـور اسـت.

عـلاوه بـر ایـن ا.ا در سـکتور معـادن زیربنـا صنعـت زراعـت و سـایر بخشـها فرصتهـای کاری بـرای صدهـا هـزار نفـر را فراهـم کـرده کـه نمونه بـارز آن افتتـاح ۹ پـروژه زیربنایـی بـه ارزش ۱۶.۵ میلیـارد افغانـی در مـاه حمـل ۱۴۰۳ خورشـیدی مـی باشـد.

در ایـن گـزارش آمـده کـه صدهـا هـزار دهاقیـن بـه دلیـل ممنوعیـت مـواد مخـدر از سـوی ا.ا درآمـد خـود را از دسـت داده انـد. امـارت اسـلامی مـی پذیـرد کـه کشـت مـواد مخـدر را در سراسـر کشـور ممنـوع کـرده و بـه تلاشـهای خـود بـرای کشـت بدیـل بـه دهاقیـن ادامـه داده و همچنـان از جامعـه جهانـی میخواهـد کـه مسـئولیت خـود را در ایـن زمینـه اداء نمایـد.

ا.ا.ا بـر ایـن بـاور اسـت کـه اگـر جامعـه جهانـی بـه تعامـل مثبـت رو آورد تحریـم هـا را برداشـته و دارایـی هـای مسـدود شـده افغانسـتان را آزاد

کند و ضمن تمویل پروژه های انکشافی در بخشهای گوناگون همکاری کنند در نتیجه فرصتهای شغلی جدید ایجاد شده و روی وضعیت اقتصادی کشور اثر مثبت خواهد گذاشت.

امارت اسلامی افغانستان

معاونیت اقتصادی ریاست الوزراء

اعلامیه امارت اسلامی افغانستان در پیوند به روزهای هفتم و هشتم ثور

۴۶ سال قبل به تاریخ هفت ثور سال ۱۳۵۷ هجري شمسی چند تن از کمونستان بیگانه پرور در افغانستان دست به کودتا زدند و کشور ما را به گودال جنگ و بدبختی بزرگ سقوط دادند.

در اثر جنایات ناشی از هفتم ثور، مردم ما زیان های جانی و مالی شدید را متقبل شدند و این روز بدبختی های زیادی را به بار آورد. الحمدالله ملت مسلمان و مجاهد ما در برابر اندیشه کمونستی و اعمال آن قیام کردند و این مبارزه جهادی که قربانی های زیاد جانی و مالی برای آن داده شد، چهارده سال ادامه یافت.

در جریان این مبارزه دشوار و طاقت فرسا، ملت مسلمان و مجاهد ما نیز تلفات سنگین را متقبل شدند، در حدود یک و نیم میلیون افغان شهید و میلیون ها تن دیگر با مشکلات مختلف مواجه گردیدند که بالاخره پدیدهٔ شوم کمونیزم و در کنار آن شوروی وقت در کشور ما شکست خورد و ملت مجاهد افغان توانست آخرین ادارهٔ کمونستی را سرنگون و کشور را به گونه کامل آزاد سازد.

هشتم ثور ۱۳۷۱ هـ ش روز کامیابی و آزادی ملت افغان است که قربانی های ملت مجاهد افغان نتیجه داد و مردم و کشور ما از شر هیولای کمونیزم نجات یافتند.

امارت اسلامی افغانستان کودتای کمونستی ۷ ثور و این روز سیاه را محکوم می کند و ۸ ثور را ارج می گذارد و آنرا روز آزادی کشور می داند.

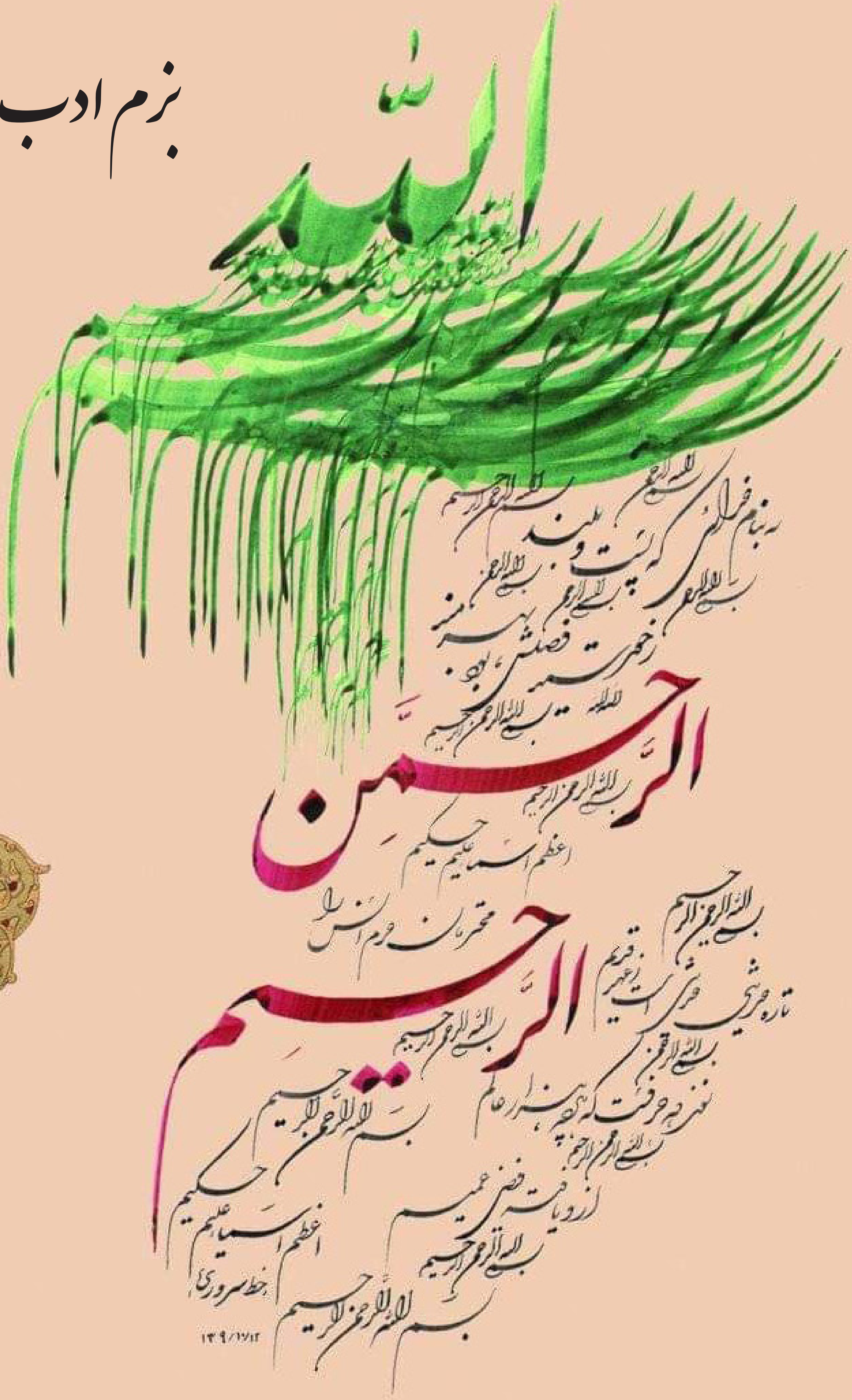
از اینکه کشور ما پس از بیست سال جهاد از یک اشغال دیگر نیز آزاد شد و نظام اسلامی برقرار گردید، بنابرین امارت اسلامی با تمام توان تلاش می کند تا ثمرهٔ قربانی ها و مبارزات چندین ساله ملت ما یکبار دیگر ضایع نگردد و نظام اسلامی را که آرمان شهدا است، به گونهٔ کامل نافذ می کند. همچنان تلاش خواهد کرد تا آرمان های مردم افغانستان در تمام دوره های جهاد همانگونه که لازم است، تحقق یابد و شرایط بهتر را در زیر سایه نظام اسلامی بخاطر آبادی و رفاه افغانستان فراهم نماید. ان شاءالله

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۵/۱۰/۱۸هـ ق

۱۴۰۳/۲/۸هـ ش ـ ۲۷/۴/۲۰۲۴م

بزم ادب



مناجات پیر هرات

من کیم بر آستانت یا إله
شرمساری عذرخواهی از گناه
عمر ضایع کرده‌یی سرگشته‌یی
خوار و زار افتاده‌یی چون خاک راه
گه ز سوز سینه‌ام سازی کباب
گه دلم خون گردد از حال تباه

***

عاشقان را از ملامت باک نیست
زانکه جای سرّ حق در خاک نیست
هر که جز توحید گوید در جهان
من بر آن عزمم که دینش پاک نیست
این محبت کز خدا در جان ماست
در وجود عرش و در افلاک نیست

خواجه عبدالله انصاری هروی

ای دل چه اندیشیده ای در عذر آن تقصیرها
زان سوی او چندان وفا زین سوی تو چندین جفا
زان سوی او چندان کرم زین سو خلاف و بیش و کم
زان سوی او چندان نعم زین سوی تو چندین خطا
زین سوی تو چندین حسد چندین خیال و ظن بد
زان سوی او چندان کشش چندان چشش چندان عطا
چندین چشش از بهر چه تا جان تلخت خوش شود
چندین کشش از بهر چه تا در رسی در اولیا
از بد پشیمان می شوی الله گویان می شوی
آن دم ترا او می کشد تا وارهاند مر ترا
از جرم ترسان می شوی وز چاره پرسان می شوی
آن لحظه ترساننده را با خود نمی بینی چرا
گر چشم تو بربست او چون مهره ای در دست او
گاهی بغلطاند چنین گاهی ببازد در هوا
گاهی نهد در طبع تو سودای سیم و زر و زن
گاهی نهد در جان تو نور خیال مصطفی
این سو کشان سوی خوشان وان سو کشان با ناخوشان
یا بگذرد یا بشکند کشتی درین گردابها
چندان دعا کن در نهان چندان بنال اندر شبان
کز گنبد هفت آسمان در گوش تو آید صدا
بانگ شعیب و ناله اش وان اشك همچون ژاله اش
چون شد ز حد از آسمان آمد سحرگاهش ندا
گر مجرمی بخشیدمت وز جرم آمرزیدمت
فردوس خواهی دادمت خامش رها کن این دعا
گفتا نه این خواهم نه آن دیدار حق خواهم عیان
گر هفت بحر آتش شود من در روم بهر لقا
گر رانده آن منظرم بستست ازو چشم ترم
من در جحیم اولیترم جنت نشاید مر مرا
جنت مرا بي روي او هم دوزخست و هم عدو
من سوختم زين رنگ و بو كو فر انوار بقا
گفتند باري كم گري تا كم نگردد مبصري
كه چشم نابينا شود چون بگذرد از حد بكا
گفت ار دو چشمم عاقبت خواهند ديدن آن صفت
هر جزو من چشمي شود كي غم خورم من از عمي
ور عاقبت اين چشم من محروم خواهد ماندن
تا كور گردد آن بصر كو نيست لايق دوست را
اندر جهان هر آدمي باشد فداي يار خود
يار يكي انبان خون يار يكي شمس ضيا
چون هر كسي در خورد خود ياري گزيد از نيك و بد
ما را دريغ آيد كه خود فاني كنيم از بهر لا
روزي يكي همراه شد با بايزيد اندر رهي
پس بايزيدش گفت چه پيشه گزيدي اي دغا
گفتا كه من خربنده ام پس بايزيدش گفت رو
يا رب خرش را مرگ ده تا او شود بنده خدا

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

The most important thing that can help us achieve our goals is determination. The path of life is full of hardships, lows, highs, and failures. In this journey, those who are only intelligent, clever, and strong do not succeed unless they have determination; all skills become zero without hope.
In this challenging and difficult journey of life, only those who are determined succeed. They rise again after every failure and disappointment, working harder than before. No one is born a writer, athlete, painter, or merchant; they acquire those skills after days of effort.

Youth is a Blessing, So We Should Appreciate It!
By: Ahmadullah Jalali

Youth is a blessing bestowed upon humans by the Almighty Allah. Humans are responsible for all the blessings granted to them by Allah, and they must be accountable for how they use these countless blessings. Therefore, using the abundant blessings given by the Almighty Allah to humans in the right way is a kind of responsibility for each individual. One of these blessings is youth, which we want to discuss in this article.

Afghanistan from a Cultural Perspective
Mohammad Sadiq Mir; In-charge of Preservation and Care of Historical Monuments

Afghanistan, a country with a cultural-historical background spanning thousands of years, has recorded significant civilizations, including the Islamic civilization, in the golden pages of its history.
During the reign of the third Caliph of Islam, Hazrat Abu Bakr Siddiq (May Allah be pleased with him), the people of this ancient region embraced the illuminating religion of Islam wholeheartedly, welcoming this celestial tradition warmly into their hearts.
The radiant sun of this pure faith nearly fourteen and a half centuries ago illuminated and enlightened almost the entirety of Afghanistan, spreading Islam that indeed brought a series of profound social and cultural advantages compared to its previous beliefs. One of these advantages can be identified as the cultural issue, which will be briefly touched upon later. However, this culture deeply penetrated the society›s core and important social principles, leaving its profound impacts. It uprooted the roots of oppression and tyranny, nullified exploitation and coercion, rejected self-indulgence and self-imposed burdens, brought dignity to humanity and human identity, honored and supported cultural phenomena rooted in religious and ethical beliefs, and respected and encouraged the performance of a faithful Muslim individual that reflected Islamic, human, and cultural knowledge and identity.

one. Yes, this transformative and revolutionary figure was none other than late Amir al-Mu›minin Mullah Muhammad Omar Mujahid (may Allah have mercy upon him), whose name in the history of Afghanistan is synonymous with Jihad, courage, valor, bravery, audacity, fearlessness, heroism, honor, and resistance against corruption, irregularities, tyranny, and rebellion.

The Role, Importance, and Impact of Proper Child Upbringing on Their Future
BY: Shaif Amiri

The origin of all human behaviors can be traced back to the family nucleus, which is the first and most important place of learning for children. It is within the family that members establish the structure, behavior, and personality of their children, preparing them for integration into society.
When a child is born, it marks a sensitive period for parents who must devote their utmost attention to the upbringing of their child.

Rehab of Criminals in the Light of Criminological Interaction and Penal Measures
By: Behzad Afzali

The necessity of enforcing punishment for the preservation of societal life is unquestionable, but it should not be forgotten that punishment is applied to humans. This necessitates that the actions used as punishment should also have rehabilitative and educational functions, while respecting the dignity and humanity of individuals. Justice system stakeholders are capable of, by comprehensively evaluating the crime, the personalities of the parties involved, and the interests of society, making decisions aimed at rehabilitating the criminal›s character.

Gaza Has Taught Others the Lesson of Patience!
By: Talha Mobarez Badakhshani

The sorrow, pain, suffering, difficulties, and crimes inflicted on the people of Gaza today are so heart-wrenching and bone-chilling that the pen is powerless to describe them in several books and notebooks. We cannot express the rights of the people of Gaza through writing articles, issuing statements, and condemning them. They are truly facing an armed criminal army that understands neither the language of humanity nor adheres to any international laws. Here, all the slogans of atheists, Jews, and Christians who desire humanity are buried in the ground. Humanity is still alive, but its language is bombarded with the crimes of murdering children, women, and the disabled in Gaza.

Determination Plays a Vital Role in Achieving Success and Goals
By: Nasrin Alizada

Summary of the content from “Haqiqat” magazine in English

Editorial

Afghanistan, the most affected country by climate change in the world
The Islamic Emirate is committed to combating climate change with all stakeholders
Climate change has been one of the most significant issues in the past decade across the globe, and in recent years, concerns, damages, and discussions about it have escalated.
One of the countries that has been severely affected by climate change is Afghanistan. Changes in seasonal weather, droughts, lack of snow and rainfall, and similar issues have posed challenges to the Afghan people in recent years.
Officials of the Islamic Emirate of Afghanistan have repeatedly raised this issue to the global community and have asked international organizations to pay attention to Afghanistan in the fight against climate change.

Climate Change and its Impacts on Afghanistan

By: Abdul Ali Sharifi

The year-by-year increase in Earth›s temperature, resulting from the production of greenhouse gases by industrialized countries, has caused significant damage to countries, especially Afghanistan.
Consecutive years of drought, lack of rainfall, reduced water supply, and occasionally intense and destructive rainfall leading to floods or severe cold snaps, which ultimately cause major damage to agriculture, destruction of farms, and a decrease in agricultural production and food insecurity, are the result of these climate changes.
Once upon a time, before artificial ice production was developed, during summer, people in Herat would transport snow from the Divandar mountains to the city, storing it in large iceboxes built to preserve the ice. They used it to make ice cream, and the remnants and the names of these iceboxes, such as the Baba Khan icebox, are still remembered.

The 4th of Saur: A Reminder of a Historic Reality!

By: Mohammad

The 4th of Saur marks a jihad that transformed the history of Afghanistan. It saved Afghanistan once again from fragmentation, disintegration, and the brink of destruction and collapse into the abyss of annihilation. Those who understand have witnessed the upheavals of that time with the eyes of contemporaries of a great historical figure. I suppose after reading this introduction, you must have realized that I intend to portray the life and circumstances of some-

بسم الله الرحمن الرحیم

قد افلح المومنون

آن مومنان رستگار شدند

الذین هم فی صلاتهم خشعون

آنانکه در نمازشان خشوع دارند

والذین هم عن اللغو معرضون

و آنانکه از لغو و بیهوده گی روی گردانند

HAQIQAT

Scientific, Cultural & Jihadi Magazine

کاسا ۱۰۰۰:

تأمین قسمتی از برق مورد ضرورت، ایجاد کار و رشد اقتصادی کشور

افغانستان را قلب آسیا نامیده اند، زیرا نزدیک ترین راه اتصال کشور های آسیای میانه و جنوب آسیا است. راه اتصال کشورها درین خطه از میان کوه ها و دره های هندوکش، پامیر و کوه های شمشاد می گذرد. در دوره های مختلف تاریخ کاروان های تجارتی بین کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا از مسیر افغانستان عبور و وارد کشور های همسایه می شدند. کشور ما محاط با خشکه بوده و هیچ راه به بحر ندارد، ازین رو باید از موقعیت جغرافیایی آن استفاده اعظمی صورت گرفته و راه های بزرگ ترانزیتی، تجارت زمینی و اتصال منطقه ای را به میان آورده، آسیای میانه وکشور های جنوب آسیا را ازاین طریق وصل ساخت. تطبیق پروژه های بزرگ درین زمینه نه تنها باعث اتصال منطقوی خواهد شد بلکه منجر به رشد اقتصاد و رونق تجارت کشور خواهد شد.یکی از این پروژه های بزرگ اقتصادی که افغانستان را اعتبار منطقوی و جهانی خواهد بخشید پروژه کاسا ۱۰۰۰ است.

طرح پروژه کاسا یک هزار، برق آبی کشور های قرغیزستان و تاجیکستان را از طریق خاک افغانستان به کشور پاکستان انتقال می دهد که از طریق لین با طول ۱۲۲۷ کیلومتر به طور تخمینی حدود۱۳۰۰ میگاوات برق انتقال داده خواهد شد.

پروژه کاسا ۱۰۰۰ از منطقه داتکا در شمال قرغیزستان آغاز و با عبور از تاجیکستان و افغانستان به پاکستان منتهی می گردد. حدود ۵۶۲ کیلو متراین لین از خاک افغانستان عبور خواهد کرد، این پروژه در ۶۰۰ محل در ۲۳ ولسوالی که مربوط ولایات کندز، پنجشیر، کاپیسا، کابل، لغمان و ننگرهار می شود، عبور خواهد کرد. با عملی شدن آن، ولایات یاد شده از انرژی برق آن مستفید خواهند شد.

در این میان کشور ما افغانستان از درک پروژه کاسا ۱۰۰۰ منفعت اقتصادی قابل ملاحظه را خواهد گرفت. ۳۰۰ میگا وات برق آن در کشورما برای مصرف در نظر گرفته شده و از جانب هم در کنار انرژی یاد شده، به ارزش ۴۰ میلیون دالر پروژه های زیر بنایی در مسیر این لین در افغانستان ساخته می شود. مجموع هزینه این پروژه ۱.۵ میلیارد دالر است.

کار عملی این پروژه در سه کشور دخیل تقریباُ تکمیل گردیده، و در سال های اخیر نظر به دلایل نا معلوم کار آن معطل قرار گرفت.

با روی کار آمدن امارت اسلامی افغانستان و تامین صلح سر تاسری در کشور زمینه مناسب برای تطبیق پروژه های بزرگ اقتصادی به میان آمد.

در این میان امارت اسلامی افغانستان در دو سال اخیر بار ها از بانک جهانی تقاضا کرده تا پروژه های ناتکمیل خود را در افغانستان از سر گیرد، زیرا امارت اسلامی با سیاست اقتصاد محور خود با تمام امکانات، از این پروژه ها پشتیبانی میکند. خوشبختانه در ماه حوت ۱۴۰۲ تفاهنامه عملی سازی این پروژه به امضا رسید. بانک جهانی در اعلامیه خود گفته است که بورد مدیران اجرایی آن رویکرد جدید را روی دست گرفته که برای پشتیبانی و حمایت از مردم افغانستان، پروژه کاسا یک ۱۰۰۰ را به در خواست سه کشور ذیدخل در این پروژه از سر گیرد.

با تطبیق این پروژه افغانستان نه تنها بخشی از برق مورد ضرورت خود را بدست می آورد، بلکه از بیرون رفت بخشی اسعار بخاطر صرفیه برق وارداتی جلوگیری می کند و هم از پروژه های مهم اقتصادی و سرمایه گذاری که در کنار این پروژه همزمان صورت می گیرد، مستفید میشود که به تبع آن شاخص های مهم دیگر مثل ایجاد شغل، ثبات اقتصادی و ثبات پولی نیز رو به بهبود خواهد ماند.

www.dab.gov.af